

کانون‌های بالقوه ضد انقلابی در ارتش را باید بیدار نگه منهدم کرد



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۷
پخش ۷ بهمن ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۵۷

در سرکوب ضدانقلاب، مسامحه در برکنند ریشه‌های ضدانقلاب، عملاً بمنای فرستادن به ضد انقلاب برای سپنج نیرو و ایراد ضرب مهلك با انقلاب است.

بزرگترین خطری که هر انقلابی را تهدید میکند، ضدانقلاب مسلح است. نباید گذاشت که ضد انقلاب هیچ‌طریق و وسیله‌ای مسلح گردد. بطریق اولی نباید ضد انقلاب مسلح بعد از پیروزی انقلاب و تصرف قدرت حاکم، ارتش و نیروهای مسلح را باید فقط از عناصر فعال ضد انقلابی، بلکه از عناصر بالقوه ضد انقلابی نیز پاک

مقاومت خود می‌افزاید و تمام نیروی خود را برای شکستن انقلاب بسیج میکند، بتدریج که قدرت حاکم انقلابی گسترش می‌یابد، ضد انقلاب هارتر می‌شود و به تهاجم دست می‌زند، زیرا مرگ خود را نزدیک می‌بیند.

خلاصه این قانون هر انقلابی، از جمله انقلاب ماست، که بعد از تصرف قدرت حاکم توسط نیروهای انقلابی، بتدریج نیرو بین انقلاب و ضد انقلاب شدت می‌گیرد و این شدت نیرو تا سرکوب کامل ضد انقلاب ادامه دارد.

تا این سرکوب کامل انجام نگرفته، خطر ضد انقلاب، خطر شکست انقلاب وجود دارد. فقط

انجام میگردد و مسامحه و متاسفانه بر اثر مسامحه و سازشکاری دولت موقت انجام نگرفت، اکنون که امریالیسم آمریکا با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات و عوامل خود، به تلاش تب‌آلودی برای شکست انقلاب ما پرداخته، مسامحه حاد و وظیفه مبرمی است، که تامل در انجام آن نتایج هولناکی برای انقلاب در بردارد.

این قانون هر انقلابی، از جمله انقلاب ما است، که پس از تصرف قدرت حاکم توسط نیروهای انقلابی، ضد انقلاب در صدد بازپس گرفتن قدرت حاکم بر می‌آید، بتدریج که قدرت حاکم انقلابی تثبیت میشود، ضد انقلاب به

انقلاب مسلح، وجود ضدانقلاب مسلح، یعنی وجود خطری جدی برای انقلاب. بنابراین وظیفه انقلابی حکم می‌کند که مقامات مسئول به این خطرس جدی توجه جدی و فوری کنند و با احساس مسئولیت کامل، بدون لطمه‌های درنگ، با قاطعیت و دقت، ارتش را از تمام عناصر فعال و پاتوقی، تمام عناصری که چشم انتظار آمدن به گذشته، دوخته‌اند، تمام عناصری که به انقلاب و پیروزی آن باور ندارند، پاک کنند.

پاکسازی ارتش، که بلافاصله پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، مبادیست بنحوی انقلابی و قاطع

و البته توسط بزرگ ضد انقلابی در پایگاه هوایی تبریز و شرکت تصادفی از اسراد زالداری سروری در این توطئه، به‌انگیز این واقعیت است که در ارتش و در نیروهای مسلح پاکسازی بگونه‌ای که لانه‌های ضدانقلاب را در ارتش منهدم کند، هنوز صورت نگرفته است.

بجارت دیگر، توطئه ضد انقلابی در پایگاه هوایی تبریز نشان میدهد که در دیگر پایگاهها و پایگاههای نظامی، کانونهای بالقوه ضد انقلابی هنوز وجود دارد.

وجود کانونهای بالقوه ضد انقلابی در ارتش، یعنی وجود ضد

چرا وزارت خارجه می‌خواهد وزارت خارجه را بی اعتبار کند؟

دولت در صحنه بین‌المللی و باین متناخود دولت است. دولت جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی از زبان وزارت خارجه سخن می‌گوید و از طریق وزارت خارجه با دیگر کشورها رابطه می‌گیرد. وسیله این وزارتخانه سیاست خارجی خود را اعمال میکند.

چگونه میشود که آقای قطب‌زاده، بی اقتنا باین نقش پر مسئولیت وزارت خارجه، هر روز سخن می‌گوید، اعلامیه صادر میکند، تصمیمی را اعلام میکند و فردا آن سخن، آن اعلامیه تکذیب میشود آن تصمیم، بلخی اعلام می‌گردد؟ سرچشمه منبع و سبب این رفتار و کردار مکرراً متناقض کجاست؟ هدف و مقصد آن چیست؟ آیا تکرار این عملیات، راجع به فتنه ناشی از «ندام کاری» دانست؟

ماز آقای قطب زاده، بعنوان وزیر خارجه، می‌خواهد که به این امرشها پاسخ دهد. ما می‌خواهیم که وزارت خارجه دارای اعتبار باشد، هر سخن آقای وزیر خارجه مستند، سنجیده، سنجین و بر مبنای یقین به صحت آن باشد.

ما می‌خواهیم که هر تصمیم و هر عمل وزارت خارجه مبتنی بر اصول ملهون منی سیاست خارجی، صراط باوراندیشی باشد. مردم میخواهند بدانند و حق دارند بدانند که وزارت خارجه کدام سیاست را بطور کلی، چه سیاسی رانیت پسر کشورشخص، چه سیاست مشخصی را نسبت به هر جریان واقعه متخص دنبال میکند.

وزارت خارجه موظف است این خواست بر حق مردم را تمام و کمال برآورده سازد.

آقای قطب زاده بعنوان وزیر خارجه احساس مسئولیت نمیکند؟ آیا معلوم نیست که این عمل مکرر تکرار و تکذیب متوالی در باره مسائل که اهمیت آنها عظیم است، وزارت خارجه را در افکار عمومی، چه داخلی و چه خارجی، از اعتبار می‌اندازد؟ آیا معلوم نیست وقتی وزارت خارجهای نظیر وزارت خارجه، که در عمل معرف جمهوری اسلامی ایران، کار گزار دولت جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی است، از اعتبار ساقط شود، لطمه غیر قابل جبران به اعتبار دولت جمهوری اسلامی و به انقلاب ایران وارد آمده است؟

وزارت خارجه یکی از مهمترین وزارتخانه‌ها در دستگاه دولتی، زبان در واقع نحوه عمل وزارت خارجه

این روزها موضوع استرداد شاه مخلوع ورد زبانه است. ولی هیچکس بدینستی نمیتواند باطمینان بگوید که: آیا شاه مخلوع بازداشت شده یا نشده، دسترسد خواهد شد یا نخواهد شد، آنچه را که وزارت خارجه در این مورد اعلام داشته درست است یا نیست؟

بروشنی احساس میشود که مردم اعتباری برای گفته های وزارت خارجه قائل نیستند و قیام این ناابوری بر عهده مردم نیست، بر عهده وزارت خارجه است، که گوی کافر وزارت خارجه را جدی نگرفته، آرا بی‌ثباتی گرفته است.

آقای قطب زاده بعنوان وزیر خارجه مسامحه میکند و طوری صامحه اعلام میکند که: «تاکتیک شوروی درمورد ایران و افغانستان ترفند است. یافته‌ها و این ترفند را در نظر مستقیم» علیه ایران میدانند. سپس معلوم میشود که صحنی اظهار نظر آقای وزیر خارجه «خبر» خبرگزاری آمریکائی یونایتد پرس است، که سپس تکذیب میشود.

وزارت خارجه پس مبنای «سناریوی تبریز- مکزیکو» دست با قدم میزند و کار را بجائی میرساند که بدلت اقتصاد شوروی یادداشت اعتراض تسلیم میکند. ولی سپس معلوم میشود که هم او را ترفند در تبریز با مضامین دفتر امام بخش شده جعلی بوده و هم خبری که خبرگزاری فرانسه درباره اظهارات کاردار سفارت شوروی در مکزیکو بخش کرد، کذب محض بوده است.

آقای قطب زاده اعلام میکند که نماینده ایران در کنفرانس وزیران کشورهای اسلامی، در پاکستان شرکت خواهد کرد و هنوز قلم زورنامه نگار برای تفسیر شرکت دولت جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس به شرکت در نیامده، که آقای قطب‌زاده اعلام میکند که نماینده‌ای از سوی ایران به این کنفرانس اعزام نخواهد شد. سفير ایران در پاکستان بعنوان «ناظر» در کنفرانس شرکت خواهد کرد. پس از آن، بلا اعلام میشود که اصولاً هنوز تصمیمی در مورد نحوه شرکت یا عدم شرکت ایران در این کنفرانس اتخاذ نشده است. و دیروز دوباره آقای قطب زاده اعلام کرد که هیئت نمایندگی ایران به کنفرانس خواهد رفت. این چگونه وزارت خارجه است؟ آیا وزارت خارجه یازی میکند و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران راه بازی گرفته است؟ آیا

بدون شرح

* مسلم است این چنین کنفرانس، که به ظاهر سران کشورهای اسلامی در آن گرد هم می‌آیند، مورد تأیید ملت‌ها نخواهد بود. شرکت ایران در این کنفرانس آمریکائی ندانسته یا نهادن در توطئه‌ها و طرح‌های سلسله‌وار و زنجیره‌ای آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران به منظور جلوگیری از انفجارها و انقلابی‌های متعاقب آن در منطقه است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

* «شرکت نماینده دولت موقت در این کنفرانس با اصطلاح اسلامی، حتی بصورت نظر نیز قابل توجیه نیست. حضور ما در آن به مثابه پذیرش نمایندگی نوکران نامبرده (امپریالیسم آمریکا) از طرف مردم کشورهای مسلمان تلقی خواهد شد. نخستین بر سر میز مذاکره با دشمنان اسلام سبب خواهد شد که انقلاب اسلامی ایران، بزرگترین حامیان خود، یعنی همان مردم مستضعف و محنت ستم منطقه و مسلمان را از دست بدهد».

از نامه سرگشته مجاهدین انقلاب اسلامی به قطب‌زاده

* «آیا... در آمریکائی بودن این کنفرانس میتوان شک کرد؟ آیا شرکت ایران در این کنفرانس بهر عنوان و در هر سطحی از مقامات ایرانی، حتی بعنوان ناظر، بر سمیت شناختن این حرکت ارتجاعی نیست؟»

«جمهوری اسلامی» ۶ بهمن ۱۳۵۸

* «ایران در کنفرانس وزیران امور خارجه اسلامی در اسلام آباد، که تاریخ آن از روز شنبه ۲۶ ژانویه... به روز یکشنبه ۲۷ ژانویه... تغییر کرده، شرکت خواهد کرد».

قطب‌زاده، وزیر امور خارجه

در صفحات بعد

در زمینه طرح مسئله ملی در ایران امروز

- ۴ صفحه **اجرا، خدمت - نقدی بر اجرای نمایشنامه «گوشه نشینان آلتونا» در تئاتر سنگلج**
- ۳ صفحه **تکاپوی امپریالیسم را کوچک نکنیم**
- ۶ صفحه **سی امین سال تاسیس حزب کمونیست بولیوی**
- ۶ صفحه **پیشینه گرانی به چه معناست؟**
- ۵ صفحه **سیاست خارجی دولت، ۲ گانه است**
- ۲ صفحه **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، دکنفرانس اسلامی، در پاکستان را به عنوان یک نقشه آمریکائی محکوم میکنند**
- ۲ صفحه **آندره گرومیکو: فقط دشمنان ایران و کسانی که نمی‌خواهند مناسبات شوروی و ایران حسنه باشد، در بخش آکادیم ذی‌نفعند**

بیرک کارمل اظهار امیدواری کرد که کوششهای وی برای بهبود روابط با ایران به نتیجه مطلوب برسد

بیرک کارمل، رهبر جمهوری دموکراتیک افغانستان، در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که افغانستان همیشه یک کشور مسلح، دوست، مستقل و غیر متعهد خواهد بود. بیرک کارمل، ضمن ابراز آمادگی برای برقراری روابط دوستانه با ایران و پاکستان، اظهار اطمینان کرد که ایران از ابتکارات افغانستان با نظر مثبت استقبال خواهد کرد.

وزارت خارجه پس مبنای «سناریوی تبریز- مکزیکو» دست با قدم میزند و کار را بجائی میرساند که بدلت اقتصاد شوروی یادداشت اعتراض تسلیم میکند. ولی سپس معلوم میشود که هم او را ترفند در تبریز با مضامین دفتر امام بخش شده جعلی بوده و هم خبری که خبرگزاری فرانسه درباره اظهارات کاردار سفارت شوروی در مکزیکو بخش کرد، کذب محض بوده است.

وزارت خارجه یکی از مهمترین وزارتخانه‌ها در دستگاه دولتی، زبان در واقع نحوه عمل وزارت خارجه

وزارت خارجه پس مبنای «سناریوی تبریز- مکزیکو» دست با قدم میزند و کار را بجائی میرساند که بدلت اقتصاد شوروی یادداشت اعتراض تسلیم میکند. ولی سپس معلوم میشود که هم او را ترفند در تبریز با مضامین دفتر امام بخش شده جعلی بوده و هم خبری که خبرگزاری فرانسه درباره اظهارات کاردار سفارت شوروی در مکزیکو بخش کرد، کذب محض بوده است.

وزارت خارجه یکی از مهمترین وزارتخانه‌ها در دستگاه دولتی، زبان در واقع نحوه عمل وزارت خارجه

وزارت خارجه پس مبنای «سناریوی تبریز- مکزیکو» دست با قدم میزند و کار را بجائی میرساند که بدلت اقتصاد شوروی یادداشت اعتراض تسلیم میکند. ولی سپس معلوم میشود که هم او را ترفند در تبریز با مضامین دفتر امام بخش شده جعلی بوده و هم خبری که خبرگزاری فرانسه درباره اظهارات کاردار سفارت شوروی در مکزیکو بخش کرد، کذب محض بوده است.

وزارت خارجه یکی از مهمترین وزارتخانه‌ها در دستگاه دولتی، زبان در واقع نحوه عمل وزارت خارجه

دعای من

صبح از سینه‌دهم
وقتی که غنا و ادهام را از خواب
بیدار میکنم
در کسب نان و آب حلالی به وسع خویش
من کار میکنم
با دشمن بزرگ
در هر کجا که هستم و هر جبهه‌ای که هست
بیکار میکنم
همراه با خلائق
هم راه میروم
هم رای میدهم.
جان را ز عشق آینه کردار میکنم.

با کوچک و بزرگ
دارم نشست و آمد و رفت و بگو مگو
آری کلام حق را
در کوچه‌ها و برزن و میدان شهر رده
تکرار میکنم.
وان روز اگر رسد
جان را براه حق اثار میکنم

اینگونه‌ای خجسته، ترا میدهم ثنا
اینگونه، ای امام، ترا میکنم دعا

سیاوش کسرابی

شانزدهمین سالگرد درگذشت رفیق میرزا محمد کریمی مظهر دهقان مبارز ایران را گرامی بداریم

یازدهم بهمن امسال مصداق است با شانزدهمین سالگرد درگذشت رفیق میرزا محمد کریمی، دهقان آزاده و مبارز گلدسته، رزمنده خستگی ناپذیر راه استقلال و آزادی مین و آرمانهای ولای بشری، که در صف حزب توده ایران علیه اربابان بزرگ و نظام فئودالی، علیه امپریالیستهای فارتگر و بساط سلطنتی مستعمرانه سردانه رژیم و مظهر دهقان مبارز ایرانی بدل شد.

برای گرامیداشت خاطره این رفیق مبارز، از همه رفقا و دوستان، بویژه از دوستان دهات اطراف دعوت میشود که در روز پنجشنبه ۵۸/۱۱/۱۹، ساعت ۳ بعد از ظهر، در مراسمی که بهمین مناسبت بر سر مزارش برگزار میشود، شرکت نمایند.

آدرس: جاده ساوه - چهارده تکه - امامزاده عباس وسیله نقلیه روز پنجشنبه ساعت یک بعد از ظهر، اول خیابان فروردین (قاطع خیابان انقلاب) آمده خواهد بود.

الفای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه گر، خدمت، استبداد، نفاق، التصاد کشاورزی و خدمات

سیاست خارجی دولت دوگانه است

دولت موقت با اعزام نماینده‌های کنفرانس دوگانه سیاست خارجی خود را به اثبات رسانده است. کنفرانس دوگانه سیاست خارجی خود را به اثبات رسانده است. کنفرانس دوگانه سیاست خارجی خود را به اثبات رسانده است.

«مجاهدین انقلاب اسلامی» طی نامه سرگشاده‌ای به قشربازان، وزیر امور خارجه کنفرانس اسلامی در پاکستان با کنفرانس دشمنان اسلام خواندند. در این نامه از جمله آمده است:

... نمایندگان دولتی که در کنفرانس کشورهای اسلامی شرکت میکنند، نه تنها نماینده ملت‌های مسلمان نیستند، بلکه از خطرناکترین دشمنان اسلام به شمار می‌روند. این نوکران و سفارسار مستکبرین و طاغوت‌های جهانگرد...

امپریالیسم آمریکا همچنان به تقویت حضور نظامی خود در اقیانوس هند و دریای عمان ادامه میدهد.

تلاش برای نظامی کردن این مناطق، که هدف آن ضربه زدن به انقلاب ایران و سرکوب جنبش آزادیبخش منطقه است، توسط امپریالیسم آمریکا افزایش یافته است. بنا به گزارش‌های رسمی، اکنون حدود سی کشتی جنگی آمریکا، از جمله چند ناو جنگی هسته‌ای در اقیانوس هند و دریای عمان مستقر شده‌اند. ناو هواپیمابر تیسیت نیز وارد منطقه شده است. از سوی دیگر، گروهی از کارشناسان نظامی آمریکا برای دیدار از بندر و فرودگاه‌های سومالی، کوبا، عمان و عربستان راهی این کشور شده‌اند. گفته می‌شود که چند کشتی جنگی آمریکایی از چند هفته قبل در بندر بربره در سومالی مستقر شده‌اند. ژوئیه‌ای سرسبز در سومالی، عمان و عربستان آمادگی خود را برای تحلیلی-اینگاه به امپریالیسم آمریکا اعلام کرده‌اند.

کارگران شرکت گچان ایلام چه می‌خواهند

کارگران شرکت گچان ایلام طی نامه‌ای که به دفتر اسام و روزنامه‌ها ارسال داشته‌اند، خواستار برخورداری از حقوقی که در قانون کار برای کارگران پیش‌بینی شده است، شده‌اند. آنان از مسئولین اداره کار و امور اجتماعی استان ایلام خواسته‌اند که نسبت به احقاق حقوق و رسیدگی به خواست‌هاشان اقدامات قاطعی بعمل آید. کارگران، که همگی سابقه چندسال کار در شرکت مزبور دارند، خواست‌های خود را به شرح زیر مطرح نموده‌اند:

- ۱- برخورداری از مزایای بیمه درمانی،
- ۲- هشت ساعت کار در روز،
- ۳- پرداخت اضافه‌کار،
- ۴- تعطیل روزهای جمعه با حقوق.

آندره گرومیکو: فقط دشمنان ایران و کسانی که نمی‌خواهند مناسبات شوروی و ایران حسنه باشد، در پخش اکاذیب دینفند

هدف پنهانی شایعه‌سازی ناروا در باره اینکه گویا اتحاد شوروی در مورد ایران مقاصد مفرضانه‌ای دارد. مطبوعات شوروی بارها شایعات دروغین را تکذیب کرده و شایعه سازی را قاش ساخته‌اند. چنین به نظر می‌آید که این مطلب سریع و روشن است، ولی ابطال ضدشوروی هنوز هم پخش می‌شود و ظاهراً علاقه‌مندی هم پیدامی‌کند. اگر بخواهیم صریحاً بگوییم، یکی از علل عمده آحاد...

آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه شوروی در نظری که به مناسبت دیدار وزیر امور خارجه بلغارستان از اتحاد شوروی ایراد کرده، از جمله گفت: کشورها امپریالیستی هستند مسأله تسلیحاتی را شمت می‌دهند تا از راه برتری نظامی بری خود قایلین کنند، دیگر کشورها را زیر سلطه خود درآورند و در راه پیشروی ملتها بسوی استقلال...

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام «کنفرانس اسلامی» در پاکستان را بعنوان يك نقشه امریکائی محکوم میکنند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام «کنفرانس اسلامی» در پاکستان را بعنوان يك نقشه امریکائی محکوم میکنند. این گروه هم می‌آیند، مورد تأیید ملتها نخواهد بود. شرکت ایران در این کنفرانس امریکائی نداشتن با نپایان در توطئه‌ها و طرح‌های سلسله‌وار و زنجیره‌ای آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران به منظور جلوگیری از افزایش و انتقادی متعاقب آن در منطقه است. ملت غیور ما پس از پیروزی انقلاب از این نوبتها بسیار دیده، ولی با قاطعیت انقلابی با آن برخورد کرده است. ملت ما موضوع خود را در برابر ملاقات دولتمردان سابق ایران با برزیلکی نشان داد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام طی اطلاعیه‌ای درباره «کنفرانس اسلامی» در پاکستان از جمله می‌نویسند: ... این روزها اخباری از تشکیل يك کنفرانس از سران کشورهای اسلامی در پاکستان می‌رسد... هدف از چنین کنفرانسی باری کردن یا سرکوب ملت‌های مستضعف و حینیت انقلابی ملت ایران و لکه‌دار کردن انقلاب اسلامی و منحرف و تسلیم نشان دادن آن در افکار و اندیشه‌های جهان می‌باشد. بزرگترین اثر مطلوب این طرح برای آمریکا این است که به خود خیال باطل خود، از انان مسلمان منطقه و ملتها را نسبت به خود منحرف کرده و متوجه شوروی کند و خط انقلابی امام را در برخورد با دشمن سرسخت اسلام و مسلمین، که همان آمریکاست، منحرف سازد. مسلم است این چنین کنفرانسی، که به ظاهر سران کشور...

پرسی و پاسخ درباره

مشئ سیاسی حزب توده ایران (بخش دوم) نورالدین کیانوری

اخبار از صدای جمهوری اسلامی

در جریان آخرین دیدارهای خارجی قرار خواهد داد. گوینده خبرهای خارجی: «آسوشیئد پرس» به نقل از مبارزین مسلمان افغانستان گزارش داد که مردم باختم و نفرت علیه مجاورین روسی بسج می‌شوند. «آسوشیئد پرس» سان خبر گزارده است که دکتر ممکن آن‌ها هاتک باجهان‌نوردان دانسته است و خبر نگاران آن از ایران ابراج شده بودند.

حمایت آمریکا از رژیم آل سعود فقط بتاثر حفظ منافع استعمارش در منطقه است

از شورای عالی پایگاه هوایی ششم شکاری پوشور: افراد ضدانقلابی در ارتش اگر دست از افکار پلید خود برندارند، به شدیدترین وجه با آنها مبارزه مینماییم

در مطبوعات کشور

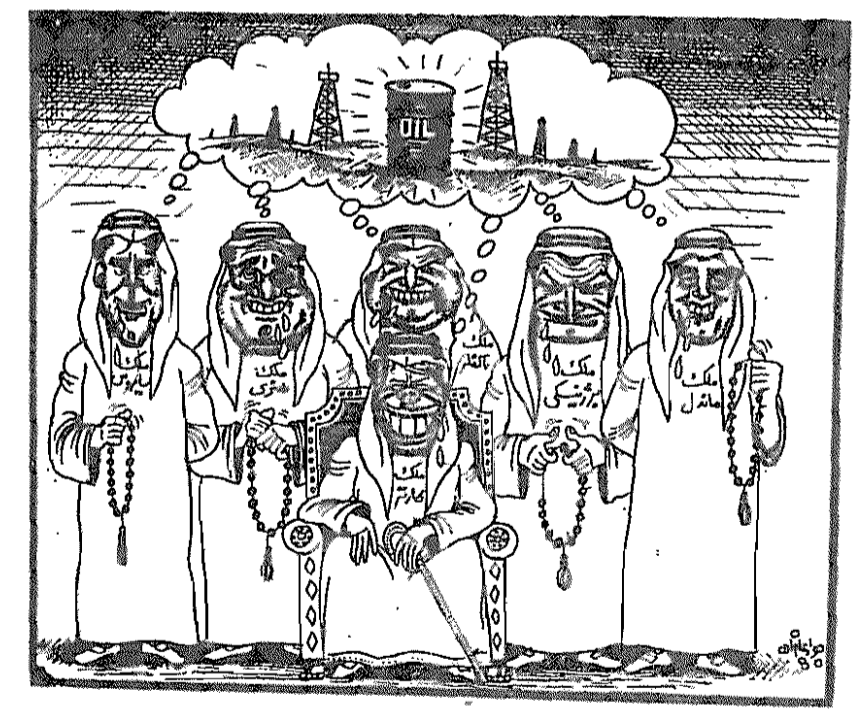
بسم الله الرحمن الرحيم تا لیدر رهبری قاطع حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، باریک‌گرا درجه داران نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و پشتیبان صدر درم خویش را از رهبر انقلاب اعلام و یاد آور می‌گردیم که همیشه آماده بوده که در راه اجرای دستورات آن زعيم عالیقدر جاح خویش را نثار نماییم. در جهت آشنایی کلیه پرسنل نظامی و ملت شریف ایران به اطلاع می‌رسانیم که در ملاقاتی که اعضا نمایندگان شورای عالی درجه داران ارتش جمهوری اسلامی ایران با امام خمینی داشتند، نمایندگان شورای عالی درجه داران مطالبی درباره وضع وجودی ارتش پهرض رهبری انقلاب رسانده و یاد آور شدند که ممکن است

با وجود کارشکنی بعضی از اعضای شورای دهه، دهقانان زمینهای غصبی مالکان را گرفته و کاشتند

روستای «گل‌تپه کبیر» دارای ۱۱۵ خانوار است. این ده حیات و مسجد و مدرسه دارد، ولی شبکه برق آن ناتمام است. زمینهای زراعی این ده را چند مالک غاصب در اختیار داشتند، ۳ دانگ، بیش نصف زمین را شخصی بنام میرمطهری، صاحب شده بود و سه دانگ بقیه در تصرف افراد شهری دیگر به نامهای دکتر شقایب، حاج سیداحمد تهرانی، سرسنگ صدخان، تهرانی و داماد او - احمد مهدی - قرار داشت. ابتدا یکی از کشاورزان این روستا بنام «اسماعیل الهوردی» به اتفاق دهقانان دیگر، باوجود مزاحمت‌های پاسگاه و درگیرهای بسیار، دست حاج سید احمد تهرانی را از زمینهای غصبی کوتاه میکنند و در آن کدم می‌کارند. ده نفر دیگر از کشاورزان زمینهای دکتر شقایب را میگیرند و کشت میکنند. پس از این اقدام ابتکاری دهقانان، شورای ده نیز تصمیم میگیرد زمینهای مالکانی چون میرمطهری و سرسنگ صدخان و تهرانی و احمد مهدی را بین کشاورزان تقسیم کند، که به هریک ۵ هکتار زمین می‌رسد. دهقانان این روستا عقیده دارند که از اینج نفع اعضای شورا، در نمر آنان طرفدار مالک هستند و در مورد واگذاری زمین به دهقانان، به نفع ارباب ر به زبان دهقانان لجاجت و کارشکنی میکنند. در حال اتحاد و همبستگی دهقانان میتواند همین قبیل مشکلات را از میان بردارد و دهقانان با همکاری و همیاری خود میتوانند حاصل کار خود را با موفقیت درآورند.

کانون‌های بالقوه ضدانقلابی در ارتش...

بقیه از نسخه ۱ کرده، نهادهای ضدانقلابی را در ارتش منحل ساخت، به نوسازی ارتش پرداخت، ارتش خادم به انقلاب، معتقد به انقلاب بوجود آورد. در يك كلمه، ارتش را به پدندك و با قاطعیت پاکسازی کرد و سپس برای نوسازی آن به اقدام جدی دست زد. اینک ما لفظات حساسی را از سر می‌گذرانیم. امپریالیسم آمریکا قصد دارد به هر قیمتی شده انقلاب مارا به شکت بکشانند. ضدانقلاب داخلی و در رابطه با امپریالیسم آمریکا به دستنوشته در کار در ارتش است و بنا بر این سستی در برابر ضدانقلاب میتواند برای انقلاب گران تمام شود. دست دارد و این دلتی است صلح...



آل «کارتر»!!! (کیهان، ۶ بهمن ماه ۱۳۵۸)

آیا در آمریکائی بودن کنفرانس «اسلامی» پاکستان می‌توان شک کرد؟

- ۱- وزیر خارجه چین به پاکستان سفر می‌کند.
 - ۲- وزیر خارجه انگلیس و دوتن مشاورین دیپلماتیک سفر می‌کنند.
 - ۳- معاون وزیر خارجه انگلیس با امیر عربین ملاقات می‌کند.
 - ۴- راکفلر رئیس بانک جی. پی. مورگان با سلطان حسن شاه مراکش دیدار می‌کند.
 - ۵- وزیر خارجه آمریکا بهودره گردی سیاسی می‌دهد.
 - ۶- کاتر يك بهام فوری برای سلطان حسن شاه بر می‌کند.
 - ۷- معاون وزیر خارجه آمریکا به پاکستان سفر می‌کند.
 - ۸- کشورهای مرتجع منطقه که در برابر هیچ آمریکا علیه ایران سکوت کرده بودند، بتامل اوضاع افغانستان از خواب خروگردی بیدار میشوند.
 - ۹- بلافاصله پس از این فعل و انفعالات اعلام میشود که يك کنفرانس اسلامی در پاکستان تشکیل میشود.
- آیا با زهد آمریکائی بودن این کنفرانس میتوان شک کرد؟ آیا شرکت ایران در این کنفرانس بهر عنوان و درسطحی از مقامات ایرانی حتی بعنوان ناظر، برسمیت شناختن این حرکت اجتماعی نیست! آیا این تلاش از سوی آمریکا برای احیای يك جهان هسته‌ای...

خوانندگان گرامسی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر بسا مردم، مکاتبه کنند

فرانس: Rival Albert BP 75100 75001 Paris France

سوئد: Box 27y30 30251 Stockholm

ایتالیا: Shams Via G. Vinson, 44 Ostia (Roma) Tel 6614022 (TUDH)

در زمینه

طرح مسئله ملی در ایران امروز

برنامه حزب توده ایران آمده است: «ایران کشوری است کثیرالمله و رسته‌های مختلفی خلقهای ساکن ایران را بهم پیوند میدهد. این خلقها طی قرنهای متمادی تاریخ با یکدیگر سز سوزش مشترک داشته‌اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و پرازنده ایران باهم همکاری کرده‌اند و در راه استقلال و آزادی متحداً و دوشادوش هم فداکاریهای بسیار نموده‌اند. منافع اساسی خلقهای ایران در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع باهم در می آمیزد. ولی در نتیجه وجود ستم ملی همه این خلقها از حقوق حقه خود برخوردار نیستند. ستم ملی مانع تأمین اتحاد عمیق این خلقها و مانعی در راه ترقی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه جانبه کشور شده است.»

ایران جدایی ناپذیر است و هر نس منکر وحدت آلی میان این دوشود، هم در عمل سفته کرده و هم در عمل بکوه داده شد انقلابی در غلطی است. ال که در این در میان مبارزه عام ضد امپریالیستی و مبارزه خاص ضد ستم ملی پیوند آلی وجود دارد، باید باین سوال نیز پاسخ داد که اولویت با کدام یک از آنهاست؟ کدام یک از این دو مبارزه اصل است و کدام یک فرع؟ تعیین کننده کدام است و تابع کدام؟ احزاب و سازمانها و گروهها و شخصیت‌هایی که در رأس جنبشهای رهایی بخش خلقهای زیر ستم کشور ما قرار دارند و یا در این جنبشها شرکت میکنند، باید بدستی باین سوال پاسخ دهند، به پاسخی که می دهند صادقانه اعتقاد داشته باشند و طبق مقتضای آن منطقی از این پاسخ ناشی میشود، بطوریکه قاطع عمل کنند، زیرا فقط باین شرط است که آنها خواهند توانست به ایدئولوژی انقلابی جنبش رهایی بخش زیر ستم بی برند و این نیز روشن است که بدون ایدئولوژی انقلابی، عمل انقلابی امکان وجود ندارد، سوالی را که مطرح کرده ایم سریعتر و دقیقتر می کنیم، آیا از حکومتی که در دست بورژوازی شونیست و آنهم بورژوازی وابسته قرار داشته باشد، می توان حقوق ملی گرفت؟ و اگر در شرایط خاصی فرضاً بتوان رسماً چنین حقوقی را در دوی کاغذ از این بورژوازی گرفت، آیا فردا در شرایط دیگری، در زیر سلطه همین بورژوازی، این حقوق، کدرسا مورد اعتراف هم قرار گرفته، شامل اجرائی خواهند داشت و این بورژوازی شونیست وابسته، حقوقی را که در شرایط خاصی پذیرفته است در شرایط مراعات خواهد کرد؟ جان مطلب در پاسخ این سوالهاست و باید همه احزاب، سازمانها و شخصیت‌های دیهلاق، بدرزاهر گونه به پیداشداری و تمسک خاص، در باره این سوالاتا بیندیشند.

این دولت جنبشهای کردستان و آذربایجان را سرکوب نازد دولت آمریکا برچم خود را از ایران برخواهد داشت. چنین تهدیدی برای شاه مخلوع و قوام و هیئت حاکمه آئروز و طبقات و اشرار اجناسی که دولت آئروزی ایران بر آنها متکی بود، بهتا به تهدید کنند کمزورتیهای از فریق بود که در میان امواج خروشان طوفان با مرگ دست بگریانست. شاه مخلوع و قوام بدستور امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و فرماندهی مستقیم ژنرالهای آمریکایی و به خاطر منافع مشترک امپریالیسم و طبقات ایرانی وابسته به آن به کردستان و آذربایجان لشکر کشی کردند. در عین حال امپریالیستهای انگلیس، که آئروز هنوز دارای قدرتی بودند، دهها هزار ارتش خود را در خاور میانه و نزدیک برای مداخله در ایران بحال آماده باش در آوردند. اگر دستور و مداخله و شرکت مستقیم امپریالیستهای آمریکا و انگلیس نبود، هرگز شاه مخلوع و قوام یارای چنین کاری را نداشتند. بسیاری از پژوهشگران، که به تحلیل علل شکست جنبش رهایی بخش کردستان ایران در سال ۱۳۲۵ پرداخته‌اند اغلب علل این شکست را توضیح داده‌اند، ولی علت اصلی که همانا موجودیت دولت دست نشانده امپریالیسم در ایران و شرکت و مهاجرت مستقیم امپریالیسم بوسیله همین دولت و زیرسروش همین دولت در سرکوب خلق کرد و مجموع جنبش انقلابی ایران بوده است، بدست فراموش سپرده شده.

امپریالیسم خارجی و بورژوازی وابسته و شونیست ایران بود. بدین ترتیب از همان آغاز دوران نوین تاریخ ایران یک حقیقت با تمام وجودش عرض اندام میکند، چه تأمین استقلال و آزادی ایران و چه رفع ستم ملی از خلقهای غیر فارس ایران، به یک امر واحد بستگی مطلق دارد، که آنهم برکنند سلطه امپریالیسم از ایران و سرنگون ساختن حاکمیت سیاسی و اقتصادی بورژوازی ایرانی وابسته با امپریالیسم است. در دوران پیدار شدن و پیا خاستن مردم ایران روز بروز بیشتر روشن میشود که تا ایران از زیر سلطه امپریالیسم نجات نیابد، تا سرمایه داری وابسته با امپریالیسم از منهد حاکمیت سیاسی و اقتصادی ایران سرنگون نشود و کلیه نهادها و منابع موجودیت و بقای امپریالیسم و سرمایه داری وابسته از بیخ و بن نابود نگردد، نه استقلال و آزادی ایران تأمین خواهد شد و نه خلقهای ستمدیده ایران از یوغ ستم ملی نجات خواهند یافت.

پیدایش و قوام یافتن ستم ملی در ایران تاریخ و ویژگیهای مخصوص خود را دارد. در دوران ما قبل سرمایه داری - دورانی که شیوه تولید فئودالی و اقتصاد طبیعی شکل عمده و تقریباً فراگیر تولید اجتماعی بود - ستم ملی بمعنای معاصر آن وجود نداشت و نمیتوانست وجود داشته باشد. ولی با گام نهادن ایران در مرحله رشد مناسبات سرمایه داری، پدید آمدن تمرکز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران پیدایش و رشد مناسبات سرمایه داری، این تمرکز شدت بیشتری یافت و این تمرکز آغاز پیدایش ستم ملی در ایران بمعنای واقعی خود بود. تمرکز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران گرچه از لحاظ تاریخی در سمت تکامل جامعه قرار داشت و لذا از لحاظ تاریخی پدیدهای مثبت بود. لکن از آنجا که دارای محتوی سرمایه داری وابسته با امپریالیسم بود، از همان آغاز ماهیت ضد خلقی داشت. صورت بندی سرمایه داری، که قاعدتاً سوا از فروپاشی صورت بندی فئودالی استقرار می یابد، اصولاً تا مدتی از امکانات تاریخی همگامی بار شد و تکامل انقلابی جامعه برخوردار است. ولی پیدایش و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران بملت چند ویژگی از این برهه مثبت تاریخی تا حدود زیادی محروم بود و از نخستین گامهای خود، ویژگی از لحاظ سیاسی و اجتماعی، اساساً نقش ضد ملی و ضد خلقی بازی کرد. در ارتباط با این موضوع بچند ویژگی زیر میتوان اشاره کرد:

ایران بزرگ ایران، برهبری امام خمینی، در مرحله اول خود رهنمای سیاسی جامعه سرمایه داری وابسته ایران را، که رژیم سلطنتی بود، برانداخت و جمهوری اسلامی ایران را برقرار کرد. این جنبش سیاسی، که احزاب کثیفه سیاست امپریالیسم در ایران بود، در عین حال آلت جبر بورژوازی شونیست ایران نیز بود که به خلقهای غیر فارس ایران ستم ملی روا میداشت. ولی با وجود این رویداد عظیم تاریخی، در مرحله نخست انقلاب، رهنمای سیاسی رژیم کثیفه، یعنی دستکام دولت طاغوتی تا آخر نشسته و بطور بنیادی بازسازی نگردید. همچنین در نخستین مرحله انقلاب، زیربنای رژیم طاغوتی، یعنی سرمایه داری وابسته ریشه کن نشد و از بورژوازی وابسته و شونیست اقتدار اقتصادی سلب نگردید. تاروزیکه این زیربنای ریشه کن نشود، یعنی سرمایه داران وابسته با امپریالیسم همه اقتدار سیاسی و اقتصادی خود را از دست ندهند، نمی توان ادعا کرد که انقلاب ایران به پیروزی قطعی رسیده است. تاروزیکه طبقات طاغوتی با زیربنای اقتصادی و امکانات آشکار و نهان سیاسی وجود دارند، پایه ها و محمل های اجتماعی و اقتصادی با زنگنه بازگشت ایران بر رژیم شیبه طاغوت نیز وجود خواهد داشت و امکانات احیای نهادهای طاغوتی و از جمله ستم ملی موجود خواهد بود.

ولی متأسفانه هشتاد کسان که بر خلاف این می اندیشند و پیوند آلی میان مبارزه خلقهای ستمدیده ایران علیه ستم ملی و مبارزه همه مردم ایران علیه امپریالیسم را نمی بینند، هشتاد کسان که امیدوارند و حتی اعتقاد دارند که در ایرانی که هنوز سلطه امپریالیسم جهانی نفاذ نیافته ستم ملی توان از ستم ملی نجات یافت، در ایرانی که طبقات وابسته با امپریالیسم زمام سیاست و اقتصاد کشور را در دست دارند نیز می توان به حقوق ملی دست یافت. هشتاد کسان که درک نمی کنند که شاهن وجود ترکیه گاه حکومت بورژوازی وابسته شونیست ایران امپریالیسم است. هشتاد کسان که رابطه آلی میان خلعت وابسته بودن و خلعت شونیست بودن بورژوازی بزرگ ایران را نمی بینند و اگر هم ببینند خیال می کنند که علیه خلعت شونیست بودن این بورژوازی می توان مبارزه کرد و آنرا بر طرف ساخت، در حالیکه خلعت وابسته بودن آنرا میشود نادیده گرفت و دست نخورده بحال خود باقی گذاشت. روی سخن ما با دارندگان این اندیشه ها و همانند های آنست.

و این متأسفانه هشتاد کسان که بر خلاف این می اندیشند و پیوند آلی میان مبارزه خلقهای ستمدیده ایران علیه ستم ملی و مبارزه همه مردم ایران علیه امپریالیسم را نمی بینند، هشتاد کسان که امیدوارند و حتی اعتقاد دارند که در ایرانی که هنوز سلطه امپریالیسم جهانی نفاذ نیافته ستم ملی توان از ستم ملی نجات یافت، در ایرانی که طبقات وابسته با امپریالیسم زمام سیاست و اقتصاد کشور را در دست دارند نیز می توان به حقوق ملی دست یافت. هشتاد کسان که درک نمی کنند که شاهن وجود ترکیه گاه حکومت بورژوازی وابسته شونیست ایران امپریالیسم است. هشتاد کسان که رابطه آلی میان خلعت وابسته بودن و خلعت شونیست بودن بورژوازی بزرگ ایران را نمی بینند و اگر هم ببینند خیال می کنند که علیه خلعت شونیست بودن این بورژوازی می توان مبارزه کرد و آنرا بر طرف ساخت، در حالیکه خلعت وابسته بودن آنرا میشود نادیده گرفت و دست نخورده بحال خود باقی گذاشت. روی سخن ما با دارندگان این اندیشه ها و همانند های آنست.

ولا... تسریع رشد مناسبات سرمایه داری در ایران بدورانی تصادف کرد که صورت بندی سرمایه داری در مقیاس جهانی وارد مرحله عالی و نهائی خود، یعنی امپریالیسم گردید. دوران انقلابی بورژوازی در جهان اصولاً سپری شده و دوران انقلابی سیاسی یعنی بحران عمومی سرمایه داری جهانی و گذار به از سرمایه داری سوسیالیسم آغاز گردیده بود. در چنین دورانی رشد مناسبات سرمایه داری در ایران، گرچه مواضع فئودالیسم را در کشور ما متزلزل میکرد و جامعه را از یک صورت بندی اجتماعی و اقتصادی بیک صورت بندی عالی تر ارتقا میداد ولی خود نیز با وجود زمان، کم محتوی آن گذار از سرمایه داری بوسیالیسم بود. مطابق نداشت. این مناسبات سرمایه داری دیر رسیده، اگر انزوسوی علیه فئودالیسم بود، ولی انزوسوی دیگر علیه جنبش انقلابی کارگری و سوسیالیستی و جنبش رهایی بخش ضد امپریالیستی در همین زمان نبود.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

تا وقتی که جنبش کردستان عراق در جهت دست انقلابی پیش میرفت و بر متحدان واقعی خود، چه در عراق و چه در مقیاس جهانی، تکیه می کرد، هر روز موفقیت تازه ای کسب میکرد و بدست حاکمیت استقلال و آزادی عراق علیه ارتجاع و امپریالیسم تبدیل میشد. ولی همینکه جناح راست رهبری، این جنبش را در دام بندبازیهای سیاسی انداخت و در نتیجه، جنبش جای دوست دشمن خود را عوض کرد. جنبش کردستان عراق در سز سزیری سقوط افتاد و بدان بدفرجام رسید که همگان از آن آگاهند. منشاء اصلی این فاجعه تاریخی چه بود؟ امپریالیسم بزرگ امپریالیسم آمریکا است. مشاهده میکنید که بر پایه جنبش رهایی بخش کردستان عراق در این منطقه حاس خاور میانه، داد یک قدرت خلقی فضع میکرد که اگر بیروزی نهائی کسب کند، یک پایگاه نیرو مند انقلابی و ضد امپریالیستی در کنار ذخایر نفت خاور میانه بوجود خواهد آمد. لذا اسکون، با نواع وسایل و جیل در جنبش کردستان عراق رخنه کردند بوسیله ایادی خود و محافظان سونیالیست افراطی و تنگ نظر ست سیاسی این جنبش را صد هشتاد درجه تغییر دادند. جناح راست رهبری کردستان عراق با تهریک، اغوار، تنطه و توطئه امپریالیسم آمریکا و محمد شاه شاه نوک آمریکا، جنبش رهایی بخش کردستان عراق را از منجمدی خلقی و ضد امپریالیستی خالی کرد. کردستان عراق را به پایگاه ضد انقلاب تبدیل کرد و در نتیجه آنرا زیر ضربت خسرده کننده سیاسی و نظامی قرار داد. ره کردستان عراق به جای پذیرفتن فراخوان نیروهای انقلابی عراق جهت پیوستن به جبهه متحد نیروهای میهنی و تقویت ترویج این نیروهای واقعا انقلابی و واقعا دمکراتیک در داخل این جبهه و گدودن راه برای ایجاد آنتی تانز عراقی که سیمان معتبر به حقوق ملی خلق کرد بود، خود ضمن اجرائی این حقوق باشد، دست راه معکوس راه پرتکام در پیش گرفت. بریم شاره خونخوار و به امپریالیسم آمریکایی حامی همه خونخواران و غاصب حقوق و استقلال خلقها متکی شد. جناح راست رهبری کردستان عراق با تکیه تنگ نظری طبقاتی و جهالت سیاسی خود گمان کرد که اگر دیرتر می تواند امروز شیان شود. این رهبری با مشاهده چند تنبیه موزانه و حیل گرانه در درجات محمد شاه شاه، منطوق و کیسینجر گمان کرد که این دشمنان سوگند خورده اکنون دوست خلقی کرد شده‌اند و با استماع حشدارهای دلزدانه و در عین حال تلخ از دوستان اصولی و طبیعی و صدیق خلقی کرد گمان کرد که ایشان دیگر دشمن شده‌اند. نتیجه یک چنین سیاستی چه شد؟ سود این سیاست فاجعه ناشی از آن به جیب امپریالیسم آمریکا و بورژوازی بزرگ وابسته با امپریالیسم، یعنی مجریان سیاست شونیست ستم ملی در ایران بود.

رای آنکه احکام مطروحه در بالا را بار خدادم حای زندگی سدال سازیم، بسد نموده نشد از تاریخ چند دهه اخیر کردستان اشاره می کنیم.

تاریخچه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران، که ستم ملی یکی از بزرگترین اجتناب ناپذیر آن بود، بدست یک چنین بورژوازی انجام میگرفت. در نتیجه، سیاست ستم ملی که بدست این بورژوازی طرح و اجرا میشد، از حدود و قفور سیاست بورژوازی شونیست ملت حاکم فراتر میرفت. با گذشت زمان ستم ملی با سلطه امپریالیسم بر ایران پیوندی هر چه عمیقتر یافت و بهر اندازه که وابستگی بورژوازی ایران با امپریالیسم شدیدتر میشد، این ستم نیز از سوسی وسیع تر، عمیق تر و جابرانه تر میگردد و انزوسوی دیگر مسا سیاست کلی امپریالیسم در ایران بیشتر در می آمیخت.

ایران بزرگ ایران، برهبری امام خمینی، در مرحله اول خود رهنمای سیاسی جامعه سرمایه داری وابسته ایران را، که رژیم سلطنتی بود، برانداخت و جمهوری اسلامی ایران را برقرار کرد. این جنبش سیاسی، که احزاب کثیفه سیاست امپریالیسم در ایران بود، در عین حال آلت جبر بورژوازی شونیست ایران نیز بود که به خلقهای غیر فارس ایران ستم ملی روا میداشت. ولی با وجود این رویداد عظیم تاریخی، در مرحله نخست انقلاب، رهنمای سیاسی رژیم کثیفه، یعنی دستکام دولت طاغوتی تا آخر نشسته و بطور بنیادی بازسازی نگردید. همچنین در نخستین مرحله انقلاب، زیربنای رژیم طاغوتی، یعنی سرمایه داری وابسته ریشه کن نشد و از بورژوازی وابسته و شونیست اقتدار اقتصادی سلب نگردید. تاروزیکه این زیربنای ریشه کن نشود، یعنی سرمایه داران وابسته با امپریالیسم همه اقتدار سیاسی و اقتصادی خود را از دست ندهند، نمی توان ادعا کرد که انقلاب ایران به پیروزی قطعی رسیده است. تاروزیکه طبقات طاغوتی با زیربنای اقتصادی و امکانات آشکار و نهان سیاسی وجود دارند، پایه ها و محمل های اجتماعی و اقتصادی با زنگنه بازگشت ایران بر رژیم شیبه طاغوت نیز وجود خواهد داشت و امکانات احیای نهادهای طاغوتی و از جمله ستم ملی موجود خواهد بود.

جبهه متحد خلقی» بر پایه «خط امام» یگانه راه درست است که هم برای تأمین آزادی و استقلال ایران، هم برای دفع ستم اجتماعی و هم دفع ستم ملی راه واقعی خواهد گشود و شامل اجرائی واقعی و دقیق خواهد آورد. البته، از سخنان ما نباید چنین نتیجه گرفت که گویا امروز خواست دفع ستم ملی را اصلاً نباید مطرح کرد گویا امروز امکان پذیر نیست هیچیک از خواستهای ملی وجود ندارد. بدین ترتیب امروز نیز می توان خواستهای ملی را مطرح کرد. ولی مسئله بر سر اینست که امروز به خاطر خواستهای ملی نباید کاری کرد که مبارزه عمده، یعنی مبارزه ضد امپریالیستی و خلقی ایران، که «خط امام» است، زبانی به بیند و با تضعیف اسلامی ایران با اجرائی خواستهای ملی خلقهای ستمدیده ایران در جاد چوب امکانات خود، به تحکیم وحدت نیروهای سدامپریالیستی کمک خواهد کرد.

جبهه متحد خلقی» بر پایه «خط امام» یگانه راه درست است که هم برای تأمین آزادی و استقلال ایران، هم برای دفع ستم اجتماعی و هم دفع ستم ملی راه واقعی خواهد گشود و شامل اجرائی واقعی و دقیق خواهد آورد. البته، از سخنان ما نباید چنین نتیجه گرفت که گویا امروز خواست دفع ستم ملی را اصلاً نباید مطرح کرد گویا امروز امکان پذیر نیست هیچیک از خواستهای ملی وجود ندارد. بدین ترتیب امروز نیز می توان خواستهای ملی را مطرح کرد. ولی مسئله بر سر اینست که امروز به خاطر خواستهای ملی نباید کاری کرد که مبارزه عمده، یعنی مبارزه ضد امپریالیستی و خلقی ایران، که «خط امام» است، زبانی به بیند و با تضعیف اسلامی ایران با اجرائی خواستهای ملی خلقهای ستمدیده ایران در جاد چوب امکانات خود، به تحکیم وحدت نیروهای سدامپریالیستی کمک خواهد کرد.

ایران بزرگ ایران، برهبری امام خمینی، در مرحله اول خود رهنمای سیاسی جامعه سرمایه داری وابسته ایران را، که رژیم سلطنتی بود، برانداخت و جمهوری اسلامی ایران را برقرار کرد. این جنبش سیاسی، که احزاب کثیفه سیاست امپریالیسم در ایران بود، در عین حال آلت جبر بورژوازی شونیست ایران نیز بود که به خلقهای غیر فارس ایران ستم ملی روا میداشت. ولی با وجود این رویداد عظیم تاریخی، در مرحله نخست انقلاب، رهنمای سیاسی رژیم کثیفه، یعنی دستکام دولت طاغوتی تا آخر نشسته و بطور بنیادی بازسازی نگردید. همچنین در نخستین مرحله انقلاب، زیربنای رژیم طاغوتی، یعنی سرمایه داری وابسته ریشه کن نشد و از بورژوازی وابسته و شونیست اقتدار اقتصادی سلب نگردید. تاروزیکه این زیربنای ریشه کن نشود، یعنی سرمایه داران وابسته با امپریالیسم همه اقتدار سیاسی و اقتصادی خود را از دست ندهند، نمی توان ادعا کرد که انقلاب ایران به پیروزی قطعی رسیده است. تاروزیکه طبقات طاغوتی با زیربنای اقتصادی و امکانات آشکار و نهان سیاسی وجود دارند، پایه ها و محمل های اجتماعی و اقتصادی با زنگنه بازگشت ایران بر رژیم شیبه طاغوت نیز وجود خواهد داشت و امکانات احیای نهادهای طاغوتی و از جمله ستم ملی موجود خواهد بود.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

دینجا بود که امام رهنمای روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرد که از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تحول انقلاب ایران بیان آمد و شکل گرفت و ریشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از پایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوانمرگ شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تسأخیر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حاسم سز سوزش سز تاریخ ایران و طبقه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توشه توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی میگران کنند و منشاء اجتماعی اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

با تکیه به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

که عمده را از غیر عمده تمیز دهیم و اصل را فسادی فرغ نازیم

نقدی بر اجرای «گوشه نشینان آلتونا» در تئاتر سنگلج

اجرا ضد متن

نویسنده: ژان پل سارتر
مترجم: ابوالحسن نجفی
کارگردان: رکن الدین خسروی
طراح: غفار رضایی
بازیگران: مهوش آذری - مسعود دلخواه - شراره مهرین فر - علی شریفیان - هومن آذر کلاه و...

به حال کدرگران، این لحن را نمادی از خشونت حیوانی و انحراف اخلاقی جامعه سرمایه داری می‌گیرد، چیزی که مطلقاً مورد نظر سارتر نیست. به همین ترتیب کارگردان می‌کوشد با دستکاری شخصیتها و موقعیتها و استحاله آنها، جوانب خردکننده و هستی‌سوز جامعه سرمایه داری را بر ملا کند و زمینه تلاشی حتی این نظام را آشکار سازد. چنین رسالتی از عهده نمایشنامه بیرون است.

چنانکه گفتیم «محتوی» نه به شرایط تاریخی کاری دارد و نه اساساً به تاریخ می‌پردازد. خسروی یک راه بیشتر نداشته است: اینکه چنین تفسیری را با «شکل» جبران کند. و از همین روست که اجرا برای تماشاگران با این حد پیچیده و «فرمالیست» می‌نماید.

الفای مفاهیم اجتماعی به وسیله «فرم» همیشه وسوسه کننده است. در سینما هم بسیار بودند فیلسازانی که ادعا می‌کردند، داستان و مضمون مهم نیست، از یک داستان بورژوازی هم می‌توان اثری ترقی آفرید. یا حرکتهای سوژه و در سن، با تکیه بر شیوه‌های بدیع تصویری و شکردهای دیگر می‌توان پیوستگی درونی آن نظام و تلاشی گریز-ناپذیر آن را القا کرد.

بهر حال، این هنرمندان به فرض چیرگی بر «محتوی» خود از سوی دیگر به هنر بورژوازی می‌غلطیدند: آنها چهار فرمالیسم (شکل‌گرایی) مطرح می‌شدند. بدین سان پرداختن به نمایشنامه‌های انحرافی یک ریسک است، و خسروی به چنین ریسکی دست زده است. بدترین عارضه ریسک او عدم ارتباط با تماشاگر است. تماشاگر مات و مبهوت به عملیات شاق بازیگر چشم می‌دوزد و کارگردان سرگرم پیاده کردن فرمای پیچیده و عمیق خود است.

خسروی چنین پنداشته است که از نمایشنامه سارتر می‌تواند به عنوان «تن» یا زمینه‌ی کار خود (سرگردان مادانه‌ای از نظام سرمایه داری) استفاده کند و سپس خود را با شکرهای اجرایی (استفاده گسترده از شکل‌های تئاتری که در آن تسلط دارد) و اصلاح متن نابودی حتی آن را نشان دهد. غافل از آنکه بر گردان سارتر، بزتابی حقیقی از آن نظام نیست. برخی از مفاسد فرعی آن را بیان می‌کند، اما بر تضاد اصلی چشم می‌بندد. عنصر پویایی، آن شراره دوران ساز (یعنی فعالیت خلاق) حضور ندارد. این است که خسروی پایان نمایش را رها می‌کند و «گورکنان سرمایه» دارد؛ را از بیرون وارد می‌کند. این پایان درگیری متن و اجراست.

خسروی خانواده‌ی «کرنال» را نمادی از سرمایه داری جنگ افروزان آلمان گرفته است. از آنجا که متن نمایشنامه بین چنین تمثیری نیست، او برای برجسته کردن مضمون نمایش از شکل‌های متنوع صحنه‌ای، حرکتهای چشم‌نواز، لطیفهای متغیر نور و رنگ بهره برده است. موفقیت چشمگیر خسروی در ارائه زیباترین و مؤثرترین تابلوهایی نمایشی تا حد زیادی «تزیینات» است. او در هر کارگیری تکنیک‌های بدیع است. در بالای صحنه «صلیب شکسته» عظیم و سببی به چشم می‌خورد که سایه هولناک آن در طول اجرا بر صحنه افتاده است. در صحنه قتل عام اسیران، در زیر برف و در کنار سیم خاردار، خسروی موفق می‌شود تمامی خشونت جنگ را القا کند و صحنه‌ای به وسعت «تاریخ» در برابر چشم ما بگذراند. در متن از هم گسیخته اجرا، روابط افراد خانواده فاقد انسجام و منطقی درونی است. تماشاگر باید ساضها به دراجیهایی شخصیتها گوش دهد. تنها در لحظاتی انگشت-شمار است که کارگردان با افشای موقعیت به یاری اوست.

در آخرین صحنه نمایش، که چنانکه گفتیم افزوده خود کارگردان است، صلیب شکسته جای خود را به خورشید خونین انقلاب می‌دهد. کارگردان «مرگ» «کرنال» را با ناپه‌ودی نظام سرمایه داری یکی می‌گیرد. ارتش پرولتاریا جامعه سرمایه داری را فتح می‌کند، صحنه‌ای که به عدت یادآور سقوط فرودآزمین برلین توسط نیروهای ارتش شوروی است. خسروی با گذر، حرکات، اسامیر سیاسی و سبکها، تاریخ را به صحنه تئاتر می‌کشاند و آن را برای فتح پرولتاریا آماده می‌کند. خسروی تمام تلاش خود را برای ارائه نمایشی زنده، پویا و مترقی به کار برده است. چنانچه خلاقیت پرنگار او و مهارت استادانه‌اش در گزار صحنه‌ای در خدمت اثر اصیل قرار می‌گرفت، قطعاً جواهر ارزنده‌ای تقدیم علاقمندان تئاتر می‌کرد. دریغ که گوش سادقانه او و درهای هنرمندانه بازیگرانش نمی‌توانند پاسخگوی انتظار سگین مردم باشند. طراحی صحنه، گرمی و نورپردازی در اجرا نقش خلاق و هنرمندانه دارند.



حضور دارد. عیب اجرایی و بی‌مایه است. ندیده این باطن و دلخوش کردن به آن ظواهر، فریب‌خوردن است. خسروی کوشیده است با حذف قسمتهایی از متن، رابطه تند اگزیتانیستی آن را بزداید. موفق هم شده است. اما ساخت درونی اثر، چفت و بست دراماتیک و جریان منطقی آن تا حدود زیادی آسیب دیده است. روابط در صحنه معلق مانده‌اند. بسیاری از رویدادها، مانند برخورد گرواچ با فرزندانش، رابطه لنی با برادرانش، ظاهر شدن فرانتس خدشه برداشته است. در عوض کارگردان کوشیده است با ایجاد فاصله میان بقایای لایحه نمایشنامه سارتر و زمینه ذهنی آن، شالوده‌های مادی و عینی برای آن تدارک ببیند و وقایع را در یافت تازمای سامان دهد. نتیجه این تصمیم تأکید بر خصلتها، ویژگیها، کتلهای فردی و جسمی خانواده گرواچ در یک طیف طبقاتی وسیع است. از دیدگاه سارتر عمل سرمایه دار، یعنی شرکت فعالانه‌اش در تجزیه ماشین جنگی هیتلر و تأسیس اردوگاههای هولناک آدم-سوزی، تنها نوعی «انتخاب» است، به همان سادگی هر انتخاب دیگری. خسروی می‌کوشد به شخصیت سرمایه دار، به عنوان پست‌جبهه و زمینه‌ساز تقسیم، بعدی تاریخی ببیند. یا فرانتس با فلسفه‌های بی‌پایان تجسم واقعی انسان کلی موهومی است که به قول اگزیتانیستی «به درون تاریخ برتاب شده است» و به علت «گریزناپذیری انتخاب»، اینک در برابر تاریخ «مسئول» است. خسروی او را در نقش ناظر آگاه و گاه در موضع قاضی و داور زمان قرار می‌دهد، بی‌آنکه تکلیف خود و تماشاگر را با فضاها ویران کند. گوئیهای او روشن کرده باشد، لنی در نمایشنامه سارتر موجودی «درخورد» یا غریزی است، که برخورد احساسی یا بدوی دارد. او مثل خیلی از زنده‌های دیگر آثار سارتر با برداشی رابطه دارد. خود سارتر در «کلمات» اعتراف می‌کند که اگر خواهی می‌داشت با او رابطه برقرار می‌کرد،

چونیک هرمن. به واقعیت خارجی و قانونمندیهای عینی و وفادار مانده باشد، هیچ بایستی با واقع‌گرایی ندارد و حتی هم بسته با آن است. مسئله این است که نویسنده‌گان اگزیتانیستی واقعیت زنده و شاداب را در او هم بوسیده و حقیر خود چال می‌کنند و جهان عینی را در فلسفه‌های بی‌انتهای ذهنی به بند می‌کنند. واقعیت آنچنان دستمالی می‌شود، از شکل می‌افتد، تحقیر می‌گردد تا در تابوت ذهنیات سفید و میتدل جایگیر شود. دل سپردن به چنین «واقعیتی» دل دادن به توهم و دروغ و فریب است. خسروی ظاهراً گمان برده است که می‌توان آن «واقعیت» را، پس از آنهمه سلاخیهای شنیع «فلسفه» سرپا نگه‌داشت. در پرورش نمایش می‌خواهیم که:

«ناگزیر بخش‌هایی از متن را حذف کردیم... حذف این قسمتها بی‌رویه و غیراصولی نبوده است. منطبق با در میان انتخاب مصالح و موادی در اثر بوده که به بهترین شکل ممکن می‌توانسته‌اند خصلت‌های روان‌شناسانه و اجتماعی یک خانواده سرمایه دار را در موقعیتی نظیر جنگ دوم و بعد از آن منعکس کنند.» و این خوش‌خیالی است. تا فرجامی تلاش سادقانه‌ی خسروی و گروه همکاریانش این انتظار مثبت را تأیید می‌کند. آثار نمایشی سارتر در دهه پنجاه تحت تأثیر برشت قرار گرفت. بدین سان رگه‌های واقع‌گرایی انتقادی و ضد سرمایه داری در نمایشنامه‌های سارتر نظیر «شیطان و خدا»، «گوشه نشینان آلتونا»، «مردهای بی‌کفن» و «دفن» فزونی یافت. اما سارتر از مضامین انتقادی آیداناً فرقیخواهانه بیشتر در همان راستای عقیدتی خود بهره گرفت و ترجیح داد نویسنده‌ای واقع‌ستیز و ذهنی‌گرا باقی بماند.

در نمایشنامه «گوشه نشینان آلتونا» چه بسامانینی که ظاهری مترقی و «انقلابی» داشته باشند، اما باطن و جوهر درونی اثر، که در درافتاده‌ترین زوایای آن نیز

در متن پرورشور نمایش «گوشه نشینان آلتونا» به کارگردانی رکن الدین خسروی آمده است که:

«نقطه نظرهای اجتماعی این اجرا با آنچه موردنظر سارتر بوده تفاوت دارد.»

و ما می‌گوییم نه تنها تفاوت، بلکه حتی ضدیت دارد. و نه تنها نقطه نظرهای اجتماعی، بلکه کل دیدگاه‌های فلسفی متن نمایشنامه و اجرای صحنه‌ای آن یکسره «متدرب» و حتی متضاد هستند. نمایشنامه سارتر در جنمایه، بافت نمایشی و حتی در ریزترین جزئیاتش سمکس کننده نکرش نام اگزیتانیستی است، و کارگردان که از افق دید فراختر و بازتری برخوردار است، در رویارویی با متن نمایش، موضعی متفاوت با درونه به فلسفی آن اتخاذ می‌کند. اجرا علیه متن قیام می‌کند و کارگردان، در نبرد رویارویی ایدئولوژیک یا نویسنده قرار می‌گیرد. در حالیکه نویسنده عمل (اکسیون) دراماتیک نمایش را به اصاق تکنای پیش فردی فرومی‌نهد، کارگردان همان عمل را به پهنه گسترده نکرش اجتماعی- طبقاتی فرامی‌خواند. کارگردان «جامعه-گراه» یا نویسنده‌ی «هستی‌گرا» درمی‌افتد، صحنه آوردگه آن است و تماشاگر داور شکست زده این نبرد چنانچه نویسنده می‌کوشد ذهنی‌گرایی فلسفی خود را غالب کند و کارگردان آن را با عینی‌گرایی «تاریخی» خود خسر می‌سازد.

تمام تلاش خسروی متوجه این امر گشته، که نه‌بدهی عقیدتی اثر سارتر را از بافت نمایشی آن، که به گمان او حاوی ارزش هنری بوده، منتزع سازد و این دستمایه خام و بی‌شکل را در اجرائی نوین و دلخواه به کار گیرد. پیداست که این تلاش هر چند پاک و صادقانه از همدن آغر محکوم به شکست بوده است.

اثر هنری در نازکترین ایلیاف تاروپود آن، متاثر از جهان بینی هنرمند است و علائق، گرایشها و امیال اجتماعی- طبقاتی او را پازمی‌تابد. و بازتاب واقعیت هنری، درعینی-ترین شکل آن هم از این قاعده بی‌کسار نیست. حتی در شاخه‌های «مستند» و طبیعی بیان هنری نیز نمی‌توان از «بی‌طرفی» یا عینیت «مطلق» هنرمند سخن گفت، زیرا در این حیطه نیز هنرمند از حق بی‌چون و چرای «انتخاب مضمون» برخوردار است، و همین کافی است تا رد پای آفرینگر را بر اثر نقش کند.

این مسئله در مورد نمایشنامه‌های فلسفی اهمیت و شدتی صدچندان دارد، زیرا در این آثار از همان آغاز رویدادها و برخورد‌های دراماتیک در مسیر و مجرائی خاص و برای تیل به استنتاجات فلسفی مشخص انتخاب و ردیف می‌شوند. نویسندگان اگزیتانیستی هیچیک به معنای اصص کلمه «درام-نویس» نیستند. نمایشنامه نویسی اگزیتانیستی محملی جز این نداشت که به گمان اندیشه‌وران این سکتب، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، استدلال و احتجاجات فلسفه «وجودی» و مسائل فلسفی «عادی» چون «موقعیت بشری»، «بسیبودگی»، «بحال»، «انتخاب» و غیره قابل درک و نیان نیستند، قابل احساس و مشاهده‌اند. سارتر و کامو بارها تأکید کرده‌اند که نمایشنامه نویسی برای آنها تنها و تنها به معنی تقییم و تجسم مفاهیم اگزیتانیستی است. از همین‌جاست که اغلب به نظر می‌رسد که شخصیتها «عادی» این آثار یک‌پارچه فیلسوفند!

البته آنچه گفتیم به معنی رد آثار هدفمند یا جانبدار نیست. هنر به‌عنوان نوع مشکالی از فعالیت شعور انسانی، در ذات خود هدفمند است. بی‌گمان نویسندگان بزرگی چون آیبسن، چخوف و گورگی در روند خلاقیت هنری خویش به حقایق عام فلسفی نیز چشم داشته‌اند، و این تا

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

شناسی از دانشگاه تبریز است. این خانم اینک از کارخانه اخراج شده است.

اخراج جمعی کارگران لوستر سازی شعله

کارخانه لوستر سازی شعله، واقع در پشت باغشاه سابق، از تاریخ ۱۷/۱۰/۵۸ تعطیل شده و از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری شده است. نمایندگان کارگران به وزارت کار مراجعه کرده‌اند تا مشکلات موجود را از پیش‌بردارند. آنان معتقدند صاحبان کارخانه (برادران کاشفی‌نژاد) در جریان انقلاب عهده نگر از کارگران را اخراج کردند. دلیل اخراج جمعی کارگران و تعطیل کردن کارخانه در حال حاضر را هم باید در ادامه آن اخراج و در همه گیری کارگران برای وادار کردن کارفرما به رعایت موازین و ضوابط پیش‌بینی شده در قوانین و بخش‌نامه‌های جدید وزارت کار جستجو کرد. کارفرما از دادن حقوق و مزایای کارگران شانه خالی می‌کند و سر می‌کشد. «من با قانون کاری ندارم، بهر هرچی که دلشان بخواهد مرا بچه کنند!» اغلب کارگرانی که اخراج شده‌اند چندین سال سابقه کار دارند. در مواردی کارگرانی با ۲۵ سال سابقه کار اخراج شده‌اند. کارگران می‌گویند فعلاً اقبال کارخانه پرست و از این جهت کارفرما هیچ دغدغه‌خاطری ندارد و با سوءاستفاده از موقعیت، مثلاً یک آئینه شمعدان ۱۰۰۰ تومانی را به قیمتی متجاوز از ۵۰۰ تومان بفروشی می‌رساند.

کفالی را تشکیل داده است. این کمیته موظف است کارخانه را از وابستگی به ژاپن و آلمان فدرال براند. برای این کار، بعد از انقلاب، با رومانی و یوگسلاوی و مجارستان رابطه گرفته تا بتواند قسمتی از احتیاجات خود را از آنها تأمین کند.

فعلاً این کارخانه از لحاظ لوازم یدکی در مضیقه نیست و برای آینده هم می‌تواند خودشان و یاد دیگر کارخانه‌ها داخلی مانند صنایع الکترونیک شیراز، لوازم یدکی را تهیه کنند. شورای این کارخانه مورد تأیید اکثریت کارگران نیست و کارگران خواهان تجدید انتخابات هستند. آنان می‌گویند که نحوه انتخابات قبلی صحیح نبوده و شورا نیز به خواسته‌های کارگران توجهی نمی‌کند و بیشتر نیات هیئت مدیره را برآورده می‌سازد. بعضی از کارگران این کارخانه، سخت نگران تعطیل کارخانه هستند. به گفته ایشان در کارخانه کم‌کاری ممدی رواج دارد، تا اگر ممکن باشد دویاره کارخانه را به حاجی برخوردار برگردانند و وانمود کنند که دولت قادر به اداره کارخانه نبوده است. ضدانقلابیون می‌خواهند در این موقعیت حساس کارخانه را تعطیل بکنند و بدینوسیله بر شمار بیکاران بیافزایند. کارگران خواهان جلوگیری از این امانند. کارگران می‌گویند: هرگاه ما اعتراض بکنیم و بخواهیم حتمان ایامال نشود، ما را «کمونیست» می‌خوانند تا بدین وسیله سندی حقیقیانه ما را خفه سازند. چندی پیش خانی بنام تقدسی در این کارخانه بعنوان کارگر استخدام شد.

این خانم به‌عمریک کارگران پرداخت و صدهای را با خود همراه ساخت. این خانم، که چپ‌نما است، در همه زمینه‌ها با پیگیری به‌اخلال در کارخانه دست زد. کارخانه با دانشگاه تبریز تماس گرفت و کادف به‌همل آمد که این خانم لیسانسه روان-

اخبار کارگری

کارخانه پارس الکترونیک در کشمکش انقلاب و ضد انقلاب

کارخانه پارس الکترونیک حدود دوهزار و پانصد کارگر و کارمند دارد، که با چهار موسسه تولیدی وابسته به آن، به سه هزار و پانصد نفر می‌رسد. این کارخانه که وابسته به گزوندیک آلمان فدرال توشیهای ژاپن است، به سرمایه‌دار معروف، حاجی برخوردار، تعلق داشت، که به‌عین انقلاب عظیم ما ملی شد. این شخص هر چند که ممنوع‌الخروج بوده ولی حدود دو ماه پیش از ایران خارج شد. شورای این کارخانه با ۲۵ عضو در اسفند ماه ۱۳۵۷ تشکیل شد. این شورا کمیته دارد: کمیته رفاه، کمیته فنی، کمیته اجرائی، کمیته پژوهشی، حسابداری، کارگزینی، کمیته عدم وابستگی و خودکفایی. از این ۲۵ نفر عضو، هر کدام، بنا به تخصصشان، در یکی از این کمیته‌ها مشغول کارند. هیئت مدیره کارخانه، که هم‌به‌انتخاب دولت و هم به انتخاب کارکنان بوده، ۷ نفر است. این کارخانه برای خودکفایی، کمیته عدم وابستگی و خود-

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت ننگین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه میهن‌دوستان آزادیخواهان تقاضا می‌شود که عکس از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. باسپاس - «مردم»

نمایشگاه بیاد دکتر تقی ارانی

۱۳ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی یادآیند دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و اجتماعی، درباره بازه دوستگیری و زندان و شهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دفتر «مردم» کمیته مرکزی حزب توده ایران بگذارند.



تهدید نظامی آمریکا علیه ایران مغایر با منشور سازمان ملل است

خبرگزاری ناس یاردیگر آمریکا را بخاطر آنکه ایران را مورد شانتاژ قرار داده است، محکوم کرد و اعلام نمود که ایران، کشوری دارای حق حاکمیت مستقل، در محاصره ناهماست. این اعلان آمریکا مغایر با منشور سازمان ملل متحد است. چنین اقداماتی از سوی آمریکا نه تنها برای ایران، بلکه برای دیگر کشورهای رویه توسعه نیز خطرناک است.

جنایات امپریالیسم آمریکا در گواتمالا

یکی از رهبران اتحادیه‌های کارگری گواتمالا از جنایات رژیم سرسپرده گواتمالا، که از سوی امپریالیسم آمریکا حمایت میشود، پرده برداشت. «مارکز» رهبر کمیته ملی برای وحدت اتحادیه‌های کارگری در گواتمالا، در مساعیه‌ای در سازمان ملل گفت که رژیم سرسپرده گواتمالا در یکساله گذشته حدود چهار هزار تن را قتل رسانده است. مارکز بریزه به فعالیت‌های غیرقانونی شرکت کوکاکولا، که به حفظ رژیم این کشور کمک میکند، اشاره کرد. وی اعلام کرد که این شرکت کارگران را بشدت سرکوب میکند. امپریالیسم آمریکا تنها با جنایت و حمایت از رژیم‌های ضد خلقی است که می‌تواند به چپاول ثروت کشورها ادامه دهد. امپریالیسم آمریکا در مورد گواتمالا نقاب حقوق بشری پرچم زده است. امپریالیسم آمریکا بخاطر آنکه رژیم روموروگاس کارسیا، دیکتاتور گواتمالا، بیش از حد رسوا شده است، ارسال مستقیم اسلحه به گواتمالا را قطع کرده، اما به اسرائیل دستور داده است سلاح‌های رژیم گواتمالا را تامین کند. این حيله امپریالیسم آمریکا کسی را در گواتمالا رنج ندهاده است.

تظاهرات بزرگ مردم ال سالوادور علیه رژیم نظامی این کشور

دربی تظاهرات بزرگ ساکنان پایتخت ال سالوادور، که طی آن برائز حمله سازمان رژیم نظامی این کشور، حدود هفتاد تن کشته شده، از راه این کشور فوق‌العاده وخیم است. هفته گذشته بهوت تمام گروه‌های بزرگ تظاهرات بزرگی در پایتخت ال سالوادور برپا شد و تظاهرکنندگان خواستار اصلاحات دگرگانی و اتخاذ تدابیری بنظر زحمتکشان و رفق باسنگی کشور به امپریالیسم آمریکا شدند. گروهی از سرایان این تظاهرات مسالمت آمیز را به گلوله بستند. به گزارش خبرگزاری کوبا در این تظاهرات دوستانه شرکت داشتند.

در این میان آمریکا برای مقابله با موج تظاهرات مردم ال سالوادور شدیداً دست بکار شده است. ویلیام بودلی، مقام برجسته آمریکایی، با عده زیادی از کارشناسان مبارزه با تظاهرات وارد پایتخت ال سالوادور شده است.

تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان ادامه دارد

سربازان اسرائیل یکبار دیگر جنوب لبنان را مورد حمله قرار دادند. بموجب گزارشهای منتشر شده از بیروت، عده‌ای از سربازان اسرائیلی، با حمایت نیروهای دست راستی برهبری سرگرد حداد، دست نشانده امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌های تل‌آویو، وارد روستای مسلمان نشین «یاطر» در جنوب لبنان شدند و یک خانه را منهدم کردند. بموجب همین گزارشها، سربازان اسرائیلی چندین خانه دیگر را نیز غارت کردند. هواپیماهای نظامی اسرائیل نیز بار دیگر به حریم هوایی لبنان تجاوز کردند و توپخانه اسرائیل جنوب لبنان را گلوله باران کرد.

ایندیرو گاندی: اتحاد شوروی دوست نزدیک هند است

بانو ایندیرو گاندی، نخست وزیر هند، در مصاحبه‌ای گفت که اتحاد شوروی در دوران دشواری به ترقی اقتصادی هند کمک کرده است. اتحاد شوروی دوست نزدیک هند است. بانو گاندی اضافه کرد که نظریات دو کشور در بسیاری از مسائل جهانی یکدیگر نزدیک است. بانو گاندی همچنین نزدیک مصاحبه دیگر اعلام کرد که هند از ارسال سلاح به پاکستان نگران است، چون پاکستان همواره از این سلاح علیه هند استفاده کرده است. در این میان رهبران اتحاد شوروی بنسبیت سیمین سالگرد جمهوری هند پیام تبریکی برای رهبران این کشور فرستادند. رهبران اتحاد شوروی در این پیام از دوستی نزدیک دو کشور ستایش کردند.

کنفرانس کشورهای اسلامی، محکوم به شکست است

روزنامه «الیان» چاپ مغرب می‌نویسد که اجلاس سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی محکوم به شکست است. زیرا بسیاری از کشورهای اسلامی و سازمان آزادیبخش فلسطین از شرکت در این کنفرانس امتناع کرده‌اند. این کنفرانس به ابتکار بعضی از کشورهای عرب و مسالک اسلامی، که وابسته به آمریکا هستند، تشکیل میشود.

کمیته‌های المپیاد فونانسه، بریتانیا و پرتغال پیشنهاد کارتر را درباره تحریم مسابقات المپیاد رد کردند

دولت فرانسه پیشنهاد رئیس جمهور آمریکا کارتر را درباره تحریم بازیهای المپیاد مسکو رد کرد. کمیته المپیاد فرانسه تأیید کرد که این کمیته با شرکت در بازیهای المپیاد موافق است. کمیته المپیاد پرتغال اعلام کرد که با پیشنهاد تحریم بازیهای المپیاد در مسکو مخالف است و شرکت پرتغال را در المپیاد مسکو تأیید کرد. دبیر فلوپس، رئیس سازمان المپیاد بریتانیا، پیشنهاد مارگرت تاچر نخست‌وزیر انگلستان را درباره انتقال بخشی از بازیهای المپیاد از مسکو به انگلستان رد کرد. وی به نخست وزیر انگلستان توصیه کرد که در مسائل ورزشی، که اصولاً اطلاعی از آن ندارند، مداخله نکند.

آیا راست است:

که جواد کافی مدیر کل منتخب ساواک منحل در وزارت راه، پس از انقلاب - در دست بهتری به کارگمارده شده است؟ و آیا راست است که این شخص علاوه بر دریافت حقوق بیشتر، از مزایای بهتری نیز نسبت به قبل از انقلاب برخوردار شده است؟

ساواکی‌های بوشهر را محاکمه کنید

با اینکه تعداد زیادی از مأموران ساواک منحل بوشهر دستگیر شده‌اند، معیناً از تشکیل دادگاه و رسیدگی جرائم آنان خبری نیست.

در میان این ساواکی‌های زندانی، افراد سرشناس از جمله «چهره‌نگار» مأموران ساواک بوشهر نیز وجود دارند، اما از آنجا که تاکنون دادگاهی برای رسیدگی به جرائم آن‌ها تشکیل نشده است، این افراد خود را بیگناه (۱) می‌خوانند و می‌گویند بهمهامانی اجباری آمده‌اند؛ مردم بوشهر خواستار رسیدگی هرچه سریع‌تر و موضع این زندانبانان و مجازات آن‌ها هستند.

برگی از شناسنامه سیاسی مائوئیست‌ها

چند تن از افراد حزب کومله به یکی از مسئولان فکری کومله حمله کردند.

● هواداران سازمان کومله علیه توده‌ایها تظاهرات کردند. (جمهوری اسلامی، ۶ بهمن)

توجه!

نخستین سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان، هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هرگونه اطلاع و خاطره چاپ و زیبایی از دوران یکساله انقلاب دارند، به هرگونه عکس از رویه‌ها، های ماهی، انقلاب و همچنین کلیه اسناد و اعلامیه‌های احزاب، سازمانها و گروههای مختلف، از آنکه در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده - در دسترس دارند - اصل یا فتوکپی آنها را برای «مردم» بفرستند و بنویسند صفحات «مردم» را در بزرگترین شایسته جشن سالگرد این انقلاب تاریخ ساز، غنی کنند. در روی پاکت بنویسید: «مربوط به انقلاب ایران».

مردم

در مقاله «مردم» تحت عنوان «دل-پتیم» ایرانی، متذکر شدیم که یکی از مختصات این «دل-پتیم»، پیشینه گزافی یا ماکسیمالیسم است.

برخی یادآوریه‌ها حساسی از آنست که هنوز معنای این واژه برای برخی از خوانندگان، که با جامعه‌شناسی علمی ما آشنایی ندارند، تمام عیاری نیافته‌اند (و این خود مفهوم و قابل درک است) روشن نیست. از آنجا که تحریف پیشینه گزافی، یک انحراف مهم سیاسی است که میتواند با سانسور موجب فریب افکار تند و شعله‌ور، ولی سطحی و عاطفی باشد، لذا می‌گوئیم تا این اصطلاح را روشن‌تر سازیم.

پیشینه گزافی، یعنی طرح شماره‌های دور و استراتژی‌های بجای شماره‌های روز، نزدیک و تاکتیکی و دور کردن شماره‌های روز، شماره‌های نزدیک و تاکتیکی تحت عنوان فرصت‌طلبی و اپورتونیسم و سازش-کاری و دنباله روی و از این قبیل عناوین. بطور مشخص پیشینه گزافیان ما در جنبش چپ این حرف‌ها مطرح میکنند: - مگر ممکن است با رهبری دخرده بودروائی، جامعه طرف دستگیری سوسیالیستی و سوسیالیسم پرورد؛ طبقه کارگر باید بکوشد هم‌اکنون رهبری انقلاب را بدست آورد.

- مگر ممکن است حکومت را از دست خرده بودروائی ستی و قشری، که لایق این حکومت نیست گرفت، جز از طریق توسل به سلاح، به مبارزه مسلحانه؟ - مگر خرده بودروائی ممکن است با خودمختاری خلقها موافقت کند، مگر مذاکره در این زمینه با نمایندگان خرده بودروائی میتواند بجای برسد؛ شمار «مذاکره» در این چار تنها یک شمار اپورتونیستی است. مسئله را مبارزه مسلحانه حل میکند.

خاصیت شماره‌های پیشینه گزافیانه، دعوت‌رسانانه بودن آنهاست. پیشینه گزافی یعنی محیط اجتماعی، امکانات موجود، واقعه‌های مثبت و منفی، تناسب نیروی انقلاب و ضد انقلاب، آرایش درونی نیرو-های موافق انقلاب و انواع عوامل دادر نظر نمی‌گیرد و یک شمار تند و تیز و آنتی می‌دهد و از آسودگی و احساساتی‌داری این سبب انجام نمی‌گشاند. با این عمل چه میکند، انرژی‌های انقلابی خود را در راه هدر میدهد، دانسته و ندانسته انقلاب را تضعیف میکند، دانسته و ندانسته آب به آسیاب شداتقلاب می‌ریزد. می‌گوئیم دانسته یا ندانسته، زیرا اساس دروند کار انقلابی عمل است و نیت‌ها عیان‌المطرح نیستند. هرگاه بخواهند کسی را محاکمه کنند، البته عامل «نیت» مطرح میشود. اشتباه از روی حسن نیت «گمراهی» نام دارد. اشتباه از روی سوء نیت اشتباه نیست، خرابکاری است. گمراهی باید راه‌نمایی کرد. خرابکاری را باید مجازات نمود. حالاً بحث میکنیم، کسی را قصد نداریم محاکمه کنیم.

طرح خواسته‌های حداکثر در هر حال و بدون توجه به شرایط مشخصی یک خطای مهم سیاسی است

تمام کلاس‌های سارکسیستی، مارکسی، انگلیسی، لنین با این پیشینه - گزافیان گمراه یا خرابکار روبرو بوده‌اند و از آنها سمات زیادی می‌دیدند. یکی از آنها با گزوفین بود، که با دادن شماره‌های پیشینه گزافیانه سال‌های دراز مارکسی و انگلیسی را دچار مشکلات عدیده کرده بود.

یکی از آنها تروتسکی بود، که همین سلبه‌ها در دوران رهبری لنین بوجود آورد.

تروتسکی بلشویک‌های لنینی را گناه به بی‌اعتنا بودن به وحدت (در نبرد بین تصفیه طلبان و دفا خوانندگان) و گناه به بی‌اعتنایی نسبت به تحکیم قدرت پرولتاریا در انقلاب و عدم توجه به روند انقلاب جهانی متهم می‌ساخت و رخ داده‌ها را مورد سوءتفسیر قرار میداد.

اسلوب پیشینه گزافیان را فی‌المثل میتوان به عمل آن‌ها در مایا معروف افغان-هاشیه کرد. می‌گویند در روستائی مایا بی‌سوادی مدتها بر مردم ساده دل آنجا سیطره معنوی داشت. در این اثناء مایا جوان با سوادی از جنف وارد شد و چون به مسارف دینی وارد بود، نزدیک بود دکان مایا بی‌سوادی بشود، پس مایا بی‌سوادی فریبی اندیشید. همه روستاییان را به مسارف خواند و گفت:

«من مدعی هستم که مایا جوان اصلاً سواد خواندن و نوشتن هم ندارد. بی‌تایید امتحان کنید. او هم بنویسد شماره و من هم بنویسم. ببینیم کدام‌ها درست می‌نویسد.»

مایا جوان خندید و گفت: «عجب امتحان مهمی است پس چایک واژه شماره را نوشت.»

مایا بی‌سوادی هم بلافاصله تصویر می‌چاپید از مادرواقعی با نیش و دم رسم کرد. روستاییان وقتی به آن دوما نظر کردند، تصدیق کردند که ماسارمائی محلی خودشان از ماسارمائی جوان نوسیده از تیغ واقعی تراست. مایا بی‌سوادی فاتح شد!

شاید کار در اینجاست که مسائل اجتماعی سیاسی فرقا الماده‌های نیش است. پیاده کردن اصول علمی جامعه‌شناسی مارکسیستی بر مبنای مناسبات لحظه، بر شرایط زمانی و مکانی، بر امکانات و واقعات موجود کاری است دشوار. همیشه طرح حداکثر مطالبات و دادن شماره‌های «خوشگل»، یا حرکت در روی خط مستقیم طرف هدف ممکن نیست (اگر ممکن باشد و نکند، البته دچار انحراف اپورتونیستی و راستگاری شده‌اند). ولی اگر در واقع حرکت مستقیم‌الخط سوی هدف نهائی ممکن نیست، اگر در واقع شما مجبورید مراحل مختلفی را در تکامل جامعه طی کنید، اگر طرح برخی شماره‌ها در شرایط معین دارای امکان تحقق نیست،

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد: لئونید برژنف زمین کوچک

شود. سازمان آزادیبخش فلسطین، سوریه و جمهوری خلق یمن از شرکت در کنفرانس اسلام آباد خودداری کرده‌اند. لیبی و الجزایر نیز با شرایط در آن شرکت کرده‌اند و میخواهند هدفهای امپریالیسم را اقصاء کنند.

پیشینه گزافی به چه معناست؟

بلکه از آن حدی هم که بآن میتوان رسید، جلوگیری میکند، در آن صورت طرح شماره‌های حداکثر، انصراف چپ‌گرایانه است و اگر این کار عمداً صورت می‌گیرد، خرابکاری یا نقاب دجیب است.

عناصر ساده دل شمار تند و حرکت مستقیم الخطرا آسانتر می‌فهمند تا شمارهای واقع‌گرایانه و حرکت ملی مراحل را. ماسارمائی بی‌سوادی بهتر فهمیده میشود تا ماسارمائی با سوادی. این اشکال کار در همه جای دنیا بوده و هست و «سدها» تذکار کلاسیکه مانع از این «انقلابیگری» نگذرد نشد و صدها از این تسرع مقالات ماهم نتواند شد.

ولی مهم آنست که این تذکار پس بگیری گفته شود، تا سرانجام در عناصر صادق انقلابی تأثیر خود را بچشد.

ما پارادیکس تکرار میکنیم که حزب توده ایران بر آنست که در شرایط انقلابی و طبقه انقلابیون پرولتاری، تقویت همه نیروهای دموکراتیک ملی برپایه شوه اتحاد و انقضا و با تکیه بر اتحاد، منفرد کردن بودروائی سازشکار، مبارزه بی‌امان با امپریالیسم و برراس آنها امپریالیسم آمریکا، عمل انقلابیون نباید موجب تفرقه در میان نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه باشد (که قشرهای متوسط و پایین جامعه را در بر می‌گیرند و تنها به دخرده بودروائی محدود نیستند). تردیدی نیست که قشرهای متوسط جامعه (که خرده بودروائی نیز بخشی از آنست) میتوانند دچار چرخش بر است شوند، ولی آیا باید انقلابیون این چرخش بر است را با چپ-رویهایی پدیدل خود تسریع کنند و بدان پناه بدهند؟ آیا باید با رژیم که ضد استبدادی و ضد استعماری است، همان روشی را داشته باشند که با رژیم وابسته استعمار؟ آیا نباید در اسلوب عمل انقلابی خود تحولات ناشی از انقلاب را در نظر گیرند؟ آیا نباید واقع‌گرایانه با اسلوب انقلابی ترکیب کنند؟

بنظر ما این مطالب زیاد گفته شده و مطالب روشنی است. نسبت دنباله روی و فرصت‌طلبی برخه‌ها به حزب ما، مانند نسبت مسازش با آمریکا، که از طرف ماژوئیستها به اتحاد شوروی داده میشده (و میشود) در زندگی پاروسوائی و شکست روبرو خواهند شد. (وشده است)

دردوران صلح برست لیتسک، لنین راهم به سازش با قیصر رددوران قرارداد مولوتوف-ریبن تروپ، اساتید این راهم به سازش با فاشیسم متهم کردند از این اتهامات، تاریخ چه بر جای گذاشت؟

البته ما با آن عناصر مهین دوست اصیل از میان قشرهای متوسط، که تا آخر با امپریالیسم دشمن و با خلق می‌روشنند، با کامیهای استوار همراه خواهیم رفت، و نیروی درجهان نیست که ما را از راه برگزیده انقلابی خود منحرف کند.

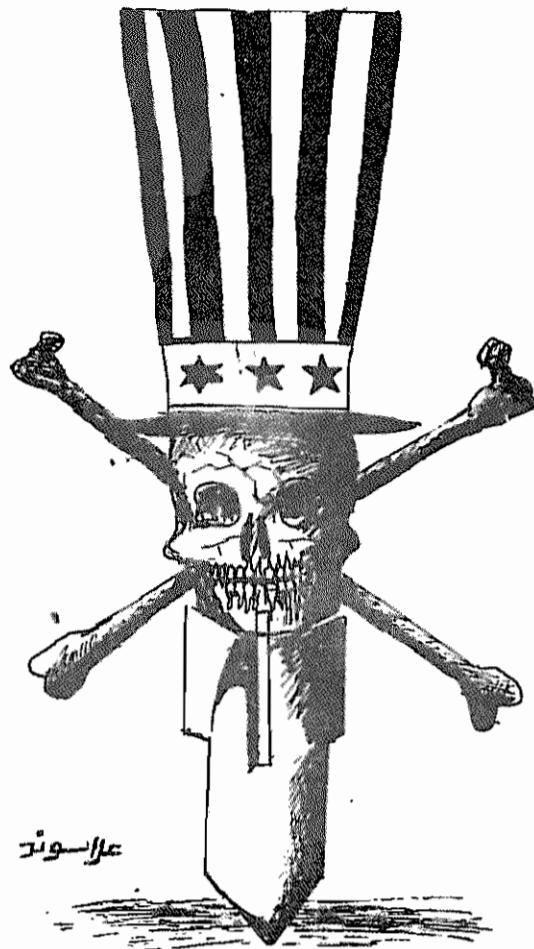
همه اجزاء اندیشه و عمل ما در خدمت رهائی کار از سرماهی است. اینرا دشمنان ما خوب میدانند. فقط بهاره‌ای از دوستان است که باید دم‌به‌دم توضیح داد!

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه‌ها، پانیه‌ها و...) منتشر در مردم آزادی مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این وظیفه میسر انقلابی است.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تکاپوی امپریالیسم را کوچک بگیریم



عزاسونر

در آبهای جنوب ایران (نه شمال) ناوگان جنگی آمریکا با موشکهای اتمی و هواپیماهای شهابه روز مانور میکند. در اروپای غربی و کشورهای همسایه ایران (غیر از شوروی و افغانستان) مأموران قدیمی نظامی و سیاسی آمریکا از پستگاه و کلان سفید دیوآسا توره میکشند و جولان میدهند. مطبوعات و خبرگزاریها و رسانه‌های آمریکا و سراسر دنیای امپریالیستی (نه جهان سوسیالیستی) با توپخانه سنگین دروغ و فتنه و پیمان بر سر جمهوری اسلامی ایران آتش گشوده‌اند. نمایندگان آمریکا در دهه معاصر بین‌المللی ارکستر گوشخراش دنیای آسمانخراشهای انحصارات را تکمیل کرده‌اند. همزمان با کوشش برای تحریم مباحثه اقتصادی ایران از سوی آمریکا و هندوستان، میخواستند اسرائیل و مصر و عمان و ترکیه و عراق و پاکستان و چند کشور آفریقایی نظیر کنیا و سومالی را هم به پایگاه‌های رسمی و جنگی علیه ایران تبدیل سازند.

هدف از این غوغای جهانی امپریالیسم، منفرد کردن ایران در صحنه پنج قاره عالم است. ولی آنها اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مستقل ضد امپریالیست، که نیروی عظیم هواداران انقلاب ایران را تشکیل میدهند، و بسخت دیگر همه مردم ترقیخواه جهان نوبخت‌های آزادیبخش و جنبشهای کارگری را غافل ارزایی کرده‌اند. و بجهت جبهت هم بیدار خود نخواهند رسید.

در صحنه داخلی ایران هم دستبازی در کار است تا این نیروی هوادار انقلاب ایران و مخالف با امپریالیسم، و در درجه اول کشورهای سوسیالیستی را هم به آن جبهه ضد جمهوری اسلامی ایران حول بدهند. لابد آنها می‌اندیشند که اگر مبعولات پیمان آمیز خود را علیه آنها تشدید کنند، این کشورها دست از پشتیبانی از انقلاب ایران خواهند شست؛ غافل از آنکه برای روشهای اصولی و علمی و انقلابی، نه تبلیغات دشمنان و نه بی‌سرمی‌های دوستان نمیتواند گمراه کننده باشد.

براستی که در ارزیابی این کشورها و سیاستشان سخت‌اشتباه میکنند. نه فقط نیروی آنها، بلکه علل زرف موضعگیری‌های آنان را هم نمیتواند تشخیص دهد. آری دنیای امپریالیستی، بر سرکردگی آمریکا، علیه جمهوری ایران شمشیر کشیده است، زیرا ایران انقلابی سیمای جدیدی از اسلام و از مردم مسلمان را به آنها نشان داده است. آسیایک سالها با اسلام سلاطین و ایران از کشور عرب تاندونزی در یک جوار رفته‌اند و بیروز بیرون آمده‌اند، حالا دارند می‌بندند که در کشورهای مسلمان چون الجزایر و لیبی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن و ایران و افغانستان پوزیشن بخواهد. ولید شده، زیرا این کشورها انقلابی ضد امپریالیستی بوده‌اند، که باید امیدوار بود این کیفیت به سراسر کشورهای اسلامی راه پیدا کند و چهره راستین اسلام مبارز در همه جا رخ بیاورد. آری، جهانخواهران و مستکبران از اسلام انقلابی در سراسر اند و گرنه از اسلام ملک حسن و سادات و ابن سمود و قابوس و ویا از زبیهائی مانند امارات متحده عربی و پاکستان نه تنها بیمی ندارند، بلکه حمایت بیدریغ هم میکنند.

امپریالیسم نه فقط در زمینه اسلام، که در زمینه مارکسیسم هم

قلاهی و انحراف و بقول «چپ آمریکایی» حساب آیش بیکجوی میرود. ضدانقلاب نه فقط در صحنه جهانی، بلکه در چارچوب داخلی ایران نیز برای منفرد کردن انقلاب در تکاپوست و بویژه در اینجا رهبری انقلاب هدف است. از بندرتنگه تا بیزین، از کردستان تا گنبد، برادر کشی راه می‌اندازد تا آنجا بیاچنی و کرد و فارس و سنی و شیعه را بچنان هم ریزد. از قم تا تبریز و از تبریز تا سکر میکو قندهای رنگارنگ بیامیکند تا به تقدیر به انقلاب فوهای ما سر میات سنگین وارد آورد.

بیرازان صادق امام و انقلاب و بیروان راستین خط ضد - امپریالیستی و خلقی امام است که این کشاکش را پیوسته جمع بندی کنند و در این آشفته بازاری که امپریالیسم به راه انداخته، مردم بر هشاری خود بیفزایند و متوجه باشند که زیر گاه آبهاخته است. اجازه ندهیم که از دشمن رودست بخوریم و بیروست خریزه بسریه یاد دام «خباخه» و گزارشهای آنان بیقیمت. آنها می‌خواهند نفس ما را ببرند تا توانیم راه انقلاب را ادامه دهیم. باید با هشاری روز افزون و آمادگی یک جامعه هشیار و متحد به جنگ دشمن برویم. باید بروقه به پیش تازیم.

تجربه حیلہ گری و وسائل عمل دشمن هولناک است. آن را دست کم نگیریم. نقشه بریزیم - سکر میکو میکند تا با جعل خبری بکلی دروغ جو سیاسی ایران انقلابی را عوض کند. در انتخابات یک دور آدم نورسیده را برای ریاست جمهوری نامزد میکنند، شاید که لاقل پس از تبلیغات و آشنایی مردم ایران، برای خود راه مجلس شورای هوار کنند و کرسیهای راه به چنگ ناهک دشمنان خلق اندازند.

به موازات همین برنامه ریزیها و با تکیه به تجربه مشابه امپریالیست‌ها در سایر کشورهاست که به تیبکاریهای ساواکیها و فتوالبها و ماتوئیستها شکل داده میشود. تصاف بیروان امام را درم ریزند.

بموازات همین فتنه گریهاست که تمیگذارند کارهای کشاورزی و اقتصادی و ملی و فرهنگی سامان گیرند، تأثیرترین قشرهای میانه شسر و روستا را به شمار حکیم فرموده صه‌سه‌بار نه‌بارا بکشند و آنها را از انقلاب زوگردان سازند.

بموازات همین گل آلود کردن آبهاست که برای «سایه‌ای» که حامی انقلاب ماست، برونده‌ساز می‌شود و پیمان نهایت به سیل اسلحه‌ای که آمریکا بسوی ترکیه و عراق و پاکستان سرازیر کرده، زویدادهای افغانستان را رهبریف و آنراورد زیانها میکنند.

بموازات همین دوز و کلکهاست که آنها لازم میداند به حزب توده ایران، حزبی که نزدیک چهل سال زیر چکمه دشمن مبارزه کرده، حمله‌ور شوند، تا به خیال خود این باغچه‌های ترقین و روشن‌بین‌ترین حزب سیاسی ایران را از منافع انقلاب، از خط امام روی گردان سازند، و بر راستی که آنها در ارزیابی مبانی عقیدتی حزب توده ایران سخت در اشتباهند.

امپریالیسم سراسیمه وصال کوفه‌بین آن نزد ما رسوا از آنند که با این دامگسترهای مصلی و بیجه‌گانه ماراگره سازند. ما بر خلاف ناآزادگان، با این هرزه درازنیا و پیمانها، یا این ناجوانمردیها، که تا زگی ندارند، از کوره بند میرویم و گناه آنان را پای اینان نمی‌نویسیم. ما از شکستها پند گرفته‌ایم و به گتمترین بیروزیها خود را گم نخواستیم کرد. ما تکاپوی امپریالیسم را کوچک نمیگیریم، ولی به نیروی خلق نیز واقف و به بیروزی تاریخی انقلاب مطمئن هستیم.

سی‌امین سال تاسیس حزب کمونیست بولیوی

حزب توده ایران پیروزی رفقای بولیوی را در پیکار با امپریالیسم و فاشیسم و در راه استقرار دمکراسی و پیشرفت اجتماعی خواهان است

پارلمانی را بدست آورد. انتظار میرود که این پیروزی در انتخابات آینده نیز ادامه و افزایش یابد. در شرایط آمریکای لاتین، شرکت و فعالیت کمونیستی در «جبهه» کمونیست بولیوی، نمونه موفقیت آمیزی است از همکاری کمونیستها و نیروهای «متایل» به سوسال دمکراسی علیه انجمن فاشیسم و در راه پیشرفت اجتماعی. اما کمونیست‌های بولیوی، بگفته «خورگه کوله»، بخوبی میداندند که «معاضل سیاسی وابسته به «انترناسیونال سوسیالیست» از کنار گذاشتن حزب کمونیست بولیوی شادمان خواهند شد». ولی، چنانکه رفیق «کوله» افزود: «خبراج کمونیست‌ها (از «جبهه») معنای گسستن با طبقه کارگر خواهد بود».

حزب کمونیست بولیوی در می‌کند که برخی از نمایندگان آن، از جمله سناتور «کوله»، در چارچوب «جبهه دمکراتیک اتحاد خلق» به پارلمان راه یافته‌اند. در عین حال، فعالیت حزب امکانات دیگر تحول در بولیوی، از جمله احتمال کودتای نظامی را نیز در نظر می‌گیرد.

حزب کمونیست بولیوی در مبارزات خود برای دفاع از منافع طبقه کارگر بولیوی، خویش را پیوسته گردانی از جنبش بین‌المللی کمونیستی - کارگری شمرده و همواره پندار و کردار خود را بر پایه «سارکسیسم» - لنینیسم و آنتر-ناسیونالیسم - پیرو نظری استوار ساخته است. این حزب از جمله با احزاب کمونیستی آمریکای لاتین، کشورهای سوسیالیستی و حزب توده ایران مناسبات نزدیک دارد.

حزب ما، که چندین پیش پیامی به کنگره چهارم حزب کمونیست بولیوی ارسال داشت، و بولیوی و بولیوی را متفق می‌شود و با فرستادن دروهای آتشین به رفقای بولیوی، پیروزی‌های پیشروشان را در پیکار با امپریالیسم و فاشیسم و در راه استقرار دمکراسی و پیشرفت اجتماعی خواهان است.

جبهه‌ها تا هنگام بنیانگذاری جوان است، در دوران فعالیت کوتاه خود از بوته آزمایش‌های تجربه آموز و حتی درد انگیزی که گذشته است. در اینجا کافی است که به هم‌واردیهای طبقاتی گسترده مسدن کاران، تفرقه‌اندازی مائوئیست‌ها، مبارزه برای وحدت حزب بر پایه مارکسیسم-لنینیسم راستین، بیکار در راه اتحاد نیروهای چپ و فعالیت زیرزمینی دیرینه اشاره شود.

بولیوی نقش ارزنده‌ای در مبارزه برای دمکراسی و پیشرفت اجتماعی بازی کرده‌اند. چنانکه چهارمین کنگره حزب کمونیست بولیوی در آوریل ۱۹۷۹ (اردیبهشت ۱۳۵۸) یاد آور شد، این حزب سهم مهمی در افشای گری و منفرد ساختن دیکتاتوری بانس و «نظریه فاشیستی» از سازمان بخشی مقاومت خلق و سرانجام سرنگونی دیکتاتوری نظامی بهمه داشت. اهمیت پیروزی شده این دیکتاتوری بولیوی بر غول فاشیسم و محافظ حاکم می‌تبع آن کشور از مرزهای بولیوی گذشته است. بگفته «کنگره چهارم»، کمونیست‌های بولیوی می‌توانند بخود بیاوندند که به برکت مبارزه جاننازانه آنها و همپیمانان مترقی‌شان، در آمریکای لاتین پیکار در راه آزادی ملی و اجتماعی با دیگر اوج می‌گیرد.

«کنگره چهارم حزب کمونیست بولیوی» یاد آور شد که تشکیل «جبهه دمکراتیک اتحاد خلق» (udp) مهم‌ترین رویداد زندگی سیاسی بولیوی پس از کنگره سوم این حزب بوده است. سیاست همپمانی و تشکیل جبهه واحد در راستا و فعالیت‌های عملی حزب کمونیست بولیوی پیوسته مقامی والا داشت، اما اینگونه

کمونیست بولیوی، یاد آور شد که «جبهه دمکراتیک اتحاد خلق» (udp) مهم‌ترین رویداد زندگی سیاسی بولیوی پس از کنگره سوم این حزب بوده است. سیاست همپمانی و تشکیل جبهه واحد در راستا و فعالیت‌های عملی حزب کمونیست بولیوی پیوسته مقامی والا داشت، اما اینگونه

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می‌توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۴ صبح و از ۱۵ تا ۱۷ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
چاپ: کلان

MARDOM
No. 152
27 January 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

لست ساوا که هارا منتش کند!

... (Small text at the bottom of the page)